www.Avayebuf.wordpress.com

نوفل لوشاتو و فردای نوفل لوشاتو

آنچه در نوفل لوشاتو به مؤمنین ایرانی و به روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون‌های جهانی گفته شد:

ـ «ما نمیخواهیم برگردیم به ۱۴۰۰ سال پیش، ما همه مظاهر تمدن را با آغوش باز قبول داریم»[۱].

ـ «در جمهوری اسلامی زنان در انتخابات فعالیت و سرنوشت خود آزاد خواهند بود، و در همه چیز حقوقی کاملاً مساوی مردان خواهند داشت»[۲].

ـ «در جمهوری اسلامی علما خود حکومت نخواهند کرد و فقط ناظر و هادی مجریان امور خواهند بود»[۳].

ـ «در منطق اینها آزادی یعنی به زندان کشیدن مخالفان، و سانسور مطبوعات، و اداره دستگاههای تبلیغاتی. در این منطق تمدن و ترقی یعنی تبعیت تمام شریانهای مملکت از فرهنگ و اقتصاد و ارتش و دستگاههای قانونگذاری و قضائی و اجرائی از یک مرکز واحد. **ما همه اینها را از میان خواهیم برد»**[۴].

ـ «در جمهوری اسلامی کمونیستها نیز در بیان عقاید خود آزاد خواهند بود»[۵].

ـ «برای همه اقلیتهای مذهبی آزادی بطور کامل خواهد بود و هر کس خواهد توانست اظهار عقیده خودش را بکند، و دولت اسلامی جواب منطق را فقط با منطق خواهد داد»[۶].

---

۱ ـ سخنرانی برای گروهی از ایرانیان، نوفل لوشاتو، ۱۹ مهر ۱۳۵۷.
۲ ـ در مصاحبه با روزنامه انگلیسی The Guardian، اول آبان ۱۳۵۷.
۳ ـ در مصاحبه با خبرگزاری Reuter، ۴ آبان ۱۳۵۷.
۴ ـ سخنرانی برای گروهی از دانشجویان ایرانی در اروپا، نوفل لوشاتو، ۸ آبان ۱۳۵۷.
۵ ـ در مصاحبه با سازمان عفو بین‌المللی Amnesty International، نوفل لوشاتو، ۱۰ نوامبر ۱۹۷۸.
۶ ـ در کنفرانس مطبوعاتی نمایندگان وسائل ارتباط جمعی غرب، نوفل لوشاتو، ۹ نوامبر ۱۹۷۸.

مجله اینترنتی آرای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

ــ «ما در مقابل نسل آینده مسئولیت نگهداری از مخازن نفت را داریم»[1].

ــ «نه رغبت شخصی من، و نه وضع مزاجی من، اجازه نمیدهند که بعد از سقوط رژیم فعلی شخصاً نقشی در اداره امور مملکت داشته باشم»[2].

ــ «در دولت اسلامی رادیو و تلویزیون و مطبوعات مطلقاً آزاد خواهند بود و دولت حق نظارت بر آنها را نخواهد داشت، ملت را که نمیشود تحمیق کرد!»[3].

ــ «دولت اسلامی ما یک دولت دموکراتیک به معنای واقعی خواهد بود. من در داخل این حکومت هیچ فعالیتی برای خودم نخواهم داشت و فقط نقش ارشادی ایفا خواهم کرد»[4].

ــ «جامعه آینده ما جامعه کاملاً آزادی خواهد بود. همه نهادهای فشار و اختناق و استثمار در این جامعه از میان خواهد رفت»[5].

ــ «من نمی‌خواهم رهبر جمهوری اسلامی آینده باشم. نمیخواهم حکومت یا قدرت را بدست بگیرم. فقط مردم را برای انتخاب حکومت ارشاد خواهم کرد»[6].

ــ «در جمهوری اسلامی زنها آزاد خواهند بود. در تحصیل هم آزاد خواهند بود. در کارهای دیگر هم آزاد خواهند بود. مثل حالا نخواهد بود که نه زن آزاد است و نه مرد»[7].

ــ «پس از رفتن شاه، من نه رئیس جمهور خواهم شد، نه هیچ مقام رهبری دیگری را بعهده خواهم گرفت. مثل گذشته فقط به ارشاد و هدایت ملت اکتفا خواهم کرد»[8].

---

۱ ـ در مصاحبه با روزنامه هلندی Telegraaf، نوفل لوشاتو، ۱۲ نوامبر ۱۹۷۸.
۲ ـ در مصاحبه با خبرگزاری آمریکائی Associated Press، نوفل لوشاتو، ۱۷ نوامبر ۱۹۷۸.
۳ ـ در مصاحبه با روزنامه ایتالیائی Paesa Sera، نوفل لوشاتو، ۲ نوامبر ۱۹۷۸.
۴ ـ در مصاحبه با تلویزیون آمریکائی NBC، نوفل لوشاتو، ۱۱ نوامبر ۱۹۷۸.
۵ ـ در مصاحبه با هفته‌نامه آلمانی ، نوفل لوشاتو، ۷ نوامبر ۱۹۷۸.
۶ ـ در مصاحبه با تلویزیون اتریش، نوفل لوشاتو، ۱۶ نوامبر ۱۹۷۸.
۷ ـ در مصاحبه با هفته‌نامه انگلیسی The Guardian، نوفل لوشاتو، ۱۶ نوامبر ۱۹۷۸.
۸ ـ در مصاحبه با روزنامه فرانسوی Le Monde، نوفل لوشاتو، ۹ ژانویه ۱۹۷۹.

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

و آنچه بعد از بازگشت «امام» به ایران به همین مؤمنین و به خبرگزاریهای جهانی گفته شد:

ــ «به اینهائی که از دمکراسی حرف میزنند گوش ندهید. اینها با اسلام مخالفند. ما قلمهای مسموم اینها را که صحبت از ملی و دمکراتیک و این چیزها میکنند میشکنیم»[1].

ــ «این اشخاص بنام اینکه روشنفکریم و صاحب قلمیم، قلمها را برمیدارند و به اسم دموکراسی هرچه دلشان بخواهد مینویسند. این طبقه باصطلاح روشنفکر باید خودشان را اصلاح کنند. ما هرچه میکشیم از این طبقه‌ای است که ادعا میکنند روشنفکریم و حقوقدانیم»[2].

ــ «به این روشنفکران هشدار میدهم که اگر از فضولی دست برندارند سرکوب خواهند شد. تمامشان در عرض چند ساعت به زباله‌های فنا ریخته خواهند شد»[3].

ــ «کسانیکه جبهه‌های سیاسی تشکیل میدهند باید دست از کار خودشان بردارند. اگر بنا بود از اول مثل سایر انقلاباتی که در دنیا واقع میشود چند هزار از این فاسدها را در مراکز عام سر میبریدیم و آتش میزدیم تا قضیه تمام شود، اشکال برطرف میشد»[4].

ــ «بعد از انقلاب مرزها را باز گذاشتیم، قلمها را آزاد کردیم، احزاب را آزاد کردیم، بخیال اینکه اینها یک مردمی هستند که اگر مسلمان نیستند لااقل آدم هستند. اما معلوم شد که اینها آدم بشو نیستند»[5].

ــ «آنهائیکه به اسم دمکراسی میخواهند مملکت را به تباهی بکشانند باید سرکوب شوند. اینها از یهود بنی‌قریظه هم بدترند. باید همه آنها اعدام شوند. ما به اذن خدا و به امر خدا سرکوبشان میکنیم»[6].

---

۱ ـ در مدرسه فیضیه قم، ۲۲ اسفند ۱۳۵۷.
۲ ـ در دیدار با اعضای نهضت رادیکال ایران، قم، اول امرداد ۱۳۵۸.
۳ ـ در مجلس معارفه با نمایندگان منتخب مجلس خبرگان، قم، ۲۷ امرداد ۱۳۵۸۰.
۴ ـ در پیام رادیوئی به ملت، ۱۷ امرداد ۱۳۵۸.
۵ ـ در مدرسه فیضیه قم، ۲۷ امرداد ۱۳۵۸.
۶ ـ در مدرسه فیضیه قم، ۸ شهریور ۱۳۵۸.

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

ـ «این نوشته‌ها، این نطق‌ها، این برنامه‌های دمکراسی، همه خلاف اسلام است. هر ندائی که در این راه بلند شود از کفر است، از زندقه است»[1].

ـ «اکثر ضربات مهلکی که به این اجتماع خورده است از جانب همین روشنفکران دانشگاه رفته‌ای است که همیشه خودشان را بزرگ میدیدند و میبینند. اگر ما ترتیبی اصولی در دانشگاهها داشتیم هرگز طبقه روشنفکر دانشگاهی نداشتیم»[2].

ـ «آنهائی که به جمهوری اسلامی رأی ندادند و آنهائیکه آنرا تحریم کردند منافقند و ما باید با آنها مثل منافقین عمل بکنیم. با خبر باشید که رفت و آمد شما کنترل است. حالا که توطئه شما ثابت شده ما شما را سرکوب خواهیم کرد. تمامتان را پاکسازی میکنیم. نمی‌گذاریم شما جرثومه‌های فساد باقی بمانید و دوباره کار خودتان را بکنید. اگر دست از شیطنت برندارید بسیجی فوق این بسیج که انجام گرفت انجام می‌دهیم»[3].

---

۱ ـ در دیدار با نمایندگان مردم تبریز، قم، ۲۸ شهریور ۱۳۵۸.
۲ ـ نقل از «فصلنامه» سروش، نشریه جمهوری اسلامی، بهار ۱۳۶۲.
۳ ـ پیام عید فطر به امت اسلامی ایران، ۱۲ شهریور ۱۳۵۸.

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

ـ «اگر فقها و مجتهدین گاهی با سلطانی مخالفت کرده‌اند مخالفت آنها با شخص او و رفتار او بوده، وگرنه **با اصل و اساس سلطنت** نه تنها تاکنون از طرف این طبقه **مخالفتی ابراز نشده**، بلکه بالعکس بسیاری از علمای بزرگ و عالیمقام در تشکیلات مملکتی با سلاطین همراهی‌ها کرده‌اند و هر قدر هم سلاطین با آنها بدسلوکی کرده‌اند و به آنها فشار وارد آورده‌اند باز با اساس سلطنت مخالفتی از جانب آنها بروز نکرده است، و تواریخ همه اینها در دست است و **پشتیبانی‌هائی که مجتهدین از سلاطین کرده‌اند** در آن تواریخ مذکور است» (کشف‌الاسرار، ص ۱۸۶).

ـ «همه میدانند که سلطنت بنی‌امیه در اسلام ظالمانه‌ترین سلطنتها بوده و دشمنی و رفتارشان را با آل پیغمبر و فرزندان علی‌بن ابیطالب همه میدانید و در میان همه بنی‌هاشم بدسلوکی و ظلمشان نسبت به علی بن الحسین (امام زین‌العابدن) بیشتر و بالاتر از همه بود. باوجود این همین علی بن الحسین در صحیفه سجادیه خود به همین سلطنت وحشیانه و جابرانه اظهار علاقه میکند و در قریب هشت صفحه برای پیشرفت کار لشکریان آنها دستورهائی میدهد که شرح آن یک کتاب میخواهد« (همان کتاب، ص ۲۲۶).

* * *

ـ «میگردند دو تا روایت از اینطرف و از آنطرف پیدا میکنند که **مثلاً با سلاطین بسازید و به آنها دعا کنید**. این خلاف قرآن و سیره انبیا است» (خمینی، بمناسبت چهلمین روز بلوای قم، نجف، ۲۹ بهمن ۱۳۵۶).

ـ «سلطنت از اصل رژیم غلطی بوده است و **خداوند در قرآن امر فرموده است که مردم باید به سلاطین کافر شوند**» (در دیدار با گروهی از ایرانیان مقیم اروپا، نوفل لوشاتو، ۲۲ آبان ۱۳۵۷).

* * *

مجله اینترنتی آرای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

روحانیت

ـ «روحانی نباید به کار دیگری غیر از روحانیت یعنی بسط توحید و تقوی و پخش و تعلیم قانون‌های آسمانی و تهذیب اخلاق بپردازد» (کشف الاسرار، ص ۲۰۸).

ـ «**مقامات روحانی شیعه** بهیچوجه قصد ندارند خودشان در ایران حکومت کنند» (در مصاحبه با خبرگزاری فرانس پرس، نوفل لوشاتو، ۳ آبان ۱۳۵۷).

ـ «در ایران اسلامی علما خودشان حکومت نخواهند کرد و فقط ناظر و هادی مجریان امور خواهند بود. خود من نیز هیچ مقام رهبری نخواهم داشت و **از همان اول به حجره تدریس خودم در قم برخواهم گشت** و به نقش ارشادی اکتفا خواهم کرد» (در مصاحبه با خبرگزاری رویتر، نوفل لوشاتو، ۵ آبان ۱۳۵۷).

* * *

ـ «این را بدانید که **فقط روحانیت میتواند در این مملکت کارها را از پیش ببرد**. فکر نکنید که بخواهید کنار بگذارید روحانیت را. شما در ظرف چندین سال چه کار کردید برای کشور که حالا میگوئید روحانیون نباید مصدر کارها باشند؟ شما نمیفهمید درست. اگر این طایفه را از کارها کنار بگذارید **اسم و رسمی از اسلام باقی نمیماند**» (در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، جماران، ۶ خرداد ۱۳۶۰).

ـ «دشمنان ما میکوشند با مخالفت با نفوذ روحانیت در اداره امور، اسلام را از بین ببرند و از این راه به مقصد خودشان برسند» (در دیدار با قضات شرع کشور، جماران، ۱۰ اسفند ۱۳۶۰).

ـ «همه متصدیان روحانی که الآن در مقامات بالا هستند از باب این است که می‌بینند کسان دیگر نمیتوانند اداره امور این مملکت را آنطوری بکنند که اسلام میخواهد. بدون اینها نمیشود اداره کرد مملکت را. اگر نکنیم جواب خدا را چه بدهیم؟» (در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب، جماران، ۹ شهریور ۱۳۶۱).

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

بهترین حکومت در جهان امروز

ـ «شما اگر بخواهید در بین رؤسای جمهور و سلاطین همه دنیای امروز یکنفر را **مثل آقای خامنه‌ای** پیدا کنید پیدا نمیکنید همینطور **نظیر آقای رفسنجانی** رئیس مجلس را. همینطور شورای نگهبان و فقهای آنرا که خدا حفظشان کند. در مورد قوه قضائیه و اشخاص معتبر و متعهدی که در آنجا هستند اصلاً احتیاجی به توصیف ندارم. فرض کنیم امروز حضرت امیر سلام‌الله علیه در ایران رئیس دولت بود. **بهتر از اینها را از کجا پیدا میکرد؟**» (در دیدار با نمایندگان اصناف و بازاریان تهران، جماران، ۱۰ بهمن ۱۳۶۱).

ـ «من امروز برای جواب به اشخاصی که میگویند زمان شاه بهتر از حالا بود یک مقایسه عبوری میکنم. از رئیس جمهور (خامنه‌ای) شروع میکنم که آقایان میگویند **اموال این ملت را بیشتر از زمان شاه میچاپند**، در صورتیکه نمیتوان ایشان را با رؤسای جمهوری هیچیک از ممالک دیگر دنیا مقایسه کرد. بعد سراغ مجلس میآیم. رئیس مجلس شورای اسلامی، آقای هاشمی رفسنجانی را حتی با بهترین رؤسای مجلس زمان رضاخان و محمدرضاخان مقایسه کنید. **کدامیک میتوانند از نظر درستی و تقوی با او برابری کنند؟** بعد سراغ دولت میآئیم. میتوانم ادعا کنم که **از آن وقت که در دنیا دولت تحقق پیدا کرده تا حالا دولتی به خوبی دولت ما بوجود نیامده است**. بعد سراغ قوه قضائیه می‌آیم. رئیس دیوان عالی کشور را در سابق و حالا پهلوی هم بگذارید. **دادستانهای سابق را با دادستان فعلی** مقایسه کنید و همینطور. بعد سراغ ارتش میآئیم. بهترین عصرها در اسلام عصر رسول اکرم است. شما ببینید که مقدس‌مآب‌های مکه و مدینه با پیغمبر چه کردند؟ اگر به آنها می‌فرمود جنگ بروید نمیرفتند، وقتی هم که میرفتند به بهانه‌ای برمیگشتند. از یک عده انگشت‌شماری که بگذرید، در صدر اسلام نیز کسانی را قابل مقایسه با پاسدارها و بسیجی‌های ما نمیتوانید بیابید. پیغمبر در زمان خودش از حالا غریب‌تر و مظلوم‌تر بود. حتی نزدیکانش هم از او اطاعت نمیکردند. شما کدام زمان را سراغ

مجله اینترنتی آرای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

دارید که مثل حالا باشد؟» (در دیدار با نخست‌وزیر و اعضای هیئت دولت و مسئولان لشکری و کشوری، اول فروردین ۱۳۶۱).

ـ «شیاطین دنبال این هستند که ایجاد اختلاف کنند، لکن بحمدلله **روحانیت ما چهره‌اش نورانی است**» (پیام بمناسبت عید فطر، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۷).

ـ «کسی که بخواهد فساد کند و به مردم بگوید که این شورای نگهبان کذا و این مجلس کذا، **این آدم باید به عنوان مفسد فی‌الارض تحت تعقیب قرار بگیرد**. این شیطنت‌ها از مبادی فاسد بیرون میآید. اگر بخواهند سر تسلیم به اسلام فرود آورند، باید سر تسلیم به مجلس اسلامی هم فرود بیاورند» (در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۶ خرداد ۱۳۶۰).

ـ «تا گفته میشود مکتبی آقایان مسخره میکنند. آنکه مکتبی را مسخره میکند اسلام را مسخره میکند. چنین کسی اگر متعهد باشد مرتد فطری است، زنش بر او حرام است و مالش باید به ورثه‌اش داده شود و خودش هم **خونش مباح** است و باید کشته شود. شما پای این ایستاده‌اید که اسلام و ایران نباشند تا ما باشیم. دست بردارید از این شیطنت‌ها» (در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۶ خرداد ۱۳۶۰).

ـ «در این دو سال در این مملکت به قدر پنجاه سال سابق کار انجام گرفته است. آنکه میگوید حالا از زمان شاه ملعون بدتر است میخواهد به اسلام ضرر بزند. اینطور که ناشکری میکنید خدای تبارک و تعالی خدای نخواسته عنایتش را از شما برمیدارد و گرفتار همان وضعی میشوید که در طول پنجاه سال گرفتارش بودید» (در دیدار با علمای استانهای آذربایجان شرقی و غربی، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰).

ـ «در این دو سال حکومت اسلامی چندین برابر همه این پنجاه سالی که آنها کارهایی کرده‌اند، آسفالت‌ها و ساختمان‌هایی که کرده‌اند، کار شده است. لکن این کوردل‌ها هیچکدام اینها را به حساب نمیآورند» (پیام نوروزی سال ۱۳۶۰).

ـ «**امروز رئیس جمهور و نخست‌وزیر و مجلس ما همه بر دلهای مردم حکومت میکنند** و مثل زمان طاغوت نیست که دلها همراه نبود» (در دیدار با هیئت بررسی کننده جنگ عراق و ایران، ۱۳ اسفند ۱۳۵۹).

مجله اینترنتی آرای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

دانشگاه

ـ «اگر دانشگاه ما یک دانشگاه صحیحی بود جوانهای ما را که در دانشگاه میخواهند حرف حقی بزنند خفه نمیکردند. دانشگاهی که بر آن حکومت کنند دانشگاه نمیشود. محیط علم باید آزاد باشد» (نجف، ۶ مهر ۱۳۵۶).

ـ «دانشگاه که مرکز علم و سازنده آینده ملت است تعطیل است. نمیگذارند کارش را بکند. **میریزند توی آن**، زن و مردش را میزنند، زخمی میکنند یا میگیرند و میبرند در حبس‌ها. **دانشجو را کتک میزنند و میکشند**» (در دیدار با گروهی از ایرانیان مقیم اروپا، نوفل لوشاتو، ۲۰ مهر ۱۳۵۷).

ـ «اساتید دانشگاه‌ها نمیتوانند آنطور که میخواهند به کار خودشان ادامه بدهند. دانشجویان دانشگاهها هم نمیتوانند به کار خودشان آنطور که میخواهند ادامه بدهند. **دولت برای تحمیل قدرت خودش تشبث میکند به یک عده چماق بدست**. هرگونه آزادی را از دانشجویان گرفته‌اند» (در دیدار با گروهی از ایرانیان اروپا، نوفل لوشاتو، ۲ آبان ۱۳۵۷).

ـ «مدارس ما غالباً نیمه تعطیل هستند یا تعطیل. وقتی هم که اشتغال داشته باشند دستور این است که **آزادی کلام و آزادی اظهار عقیده در آنها وجود نداشته باشد** و رجال روشنفکر در آنها فعالیتی نکنند» (در مصاحبه با تلویزیون فرانسه، پاریس، ۶ آبان ۱۳۵۷).

* * *

ـ «ریشه تمام مصیبت‌هایی که تاکنون برای بشر پیش آمده از دانشگاه‌ها بوده است. از این تخصص‌های دانشگاهی بوده است. تمام فسادهایی که در ملتها پیدا شده از حوزه‌های علمیه‌ای بوده است که از نظر شرعی متعهد نبوده‌اند. **همه مصیبت‌هایی که در دنیا پیدا شده از متفکرین و متخصصین دانشگاهها بوده است**. کشور ما را هم همین دانشگاهها به دامن ابرقدرتها کشاندند. حالا شما مینشینید و مینویسید که چرا دانشگاه تعطیل است؟ اگر به اسلام علاقه دارید بدانید که **خطر دانشگاه از خطر بمب خوشه‌ای بالاتر است**» (در دیدار با اعضای دفتر

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

تحکیم وحدت حوزه دانشگاه، ۲۷ آذر ۱۳۵۹).

ــ «ما هر چه میکشیم از این طبقه‌ای است که ادعا میکنند دانشگاه رفته‌ایم و روشنفکریم و حقوقدانیم. هرچه ما میکشیم از اینها است» (قم، اول امرداد ۱۳۵۸).

ــ «منافقین هی میگویند مغزها دارند فرار میکنند. به جهنم که فرار میکنند. این دانشگاه رفته‌ها، اینها که همه‌اش دم از علم و تمدن غرب میزنند بگذارید بروند. **ما این علم و دانش غرب را نمیخواهیم**. اگر شما هم میدانید که در اینجا جایتان نیست فرار کنید. راهتان باز است» (جماران، ۸ آبان ۱۳۵۸).

ــ «ما دانشگاهی را که شعارش این باشد که **میخواهیم ایران متمدن و آباد داشته باشیم** و رو به تمدن بزرگ برویم نمیخواهیم (در دیدار با نمایندگان مجلس، جماران، ۶ خرداد ۱۳۶۰).

ــ «امیدوارم احساس کرده باشید که همه دردهای ایران از دانشگاه‌ها شروع شده است» (در دیدار با وزیر و معاونان وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۲۷ فروردین ۱۳۶۴).

ــ «در نیم قرن اخیر آنچه به ایران و اسلام ضربه مهلک زده است قسمت عمده‌اش از دانشگاهها بوده است» (از وصیت‌نامه خمینی).

صدور انقلاب

ــ «ما باید به هر قیمت شده باشد انقلاب خودمان را به تمام ممالک اسلامی و تمام جهان صادر کنیم. انقلاب ما تا بانگ آن در تمام جهان طنین نیفکند باید ادامه یابد» (پیام به ملت، به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب، ۲۲ بهمن ۱۳۵۸).

ــ «**ما میخواهیم انقلابمان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم**. هر جا این انقلاب صادر بشود مشکلات حل میشود و این ریشه‌های

مجله اینترنتی آرای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

فساد از بلاد مسلمین کنده میشوند» (پیام به کنگره آزادی قدس، جماران، ۱۸ امرداد ۱۳۵۹).

ــ «باید در صدور انقلابمان به تمام جهان کوشش کنیم» (پیام نوروزی به ملت، بهشت زهرا، اول فروردین ۱۳۵۹).

* * *

«ما قصد صدور انقلاب اسلامی را نداریم. **اینها حرف دشمنان اسلام است**. ما دنبال آن هستیم که دنیا در صلح و آرامش باشد. اسلام از اول تشیید بین مؤمنین در بین مسلمانان و اخوت اسلامی را سفارش فرموده است» (در دیدار با مسئولان صدا و سیمای ایران، ۱۶ امرداد ۱۳۶۱).

مجلس مؤسسان و مجلس خبرگان

ــ «جناب آقای مهندس بازرگان رئیس دولت موقت را مأمور مینمایم تا ترتیب انجام رفراندم برای برقراری جمهوری اسلامی و تشکیل **مجلس مؤسسان** مرکب از منتخبین مردم را جهت تصویب قانون اساسی این جمهوری اسلامی بدهند» (تهران، ۱۵ بهمن ۱۳۵۷).

ــ «وظیفه شرعی همه شما است که با فرستادن طبقه فاضله و امنای خود به **مجلس مؤسسان**، قانون اساسی جمهوری اسلامی را به تصویب برسانید. این وظیفه وظیفه‌ای شرعی است که نباید از آن تخطی کنید» (پیام به ملت در ارتباط با رفراندم، ۱۲ فروردین ۱۳۵۸).

ــ«برای انتخابات **مجلس مؤسسان** به مجاهدت شما بانوان احتیاج داریم که همگی رأی موافق بدهید» (در دیدار با نمایندگان بانوان کرمانشاه و دزفول، جماران، ۱۷ فروردین ۱۳۵۸).

* * *

ــ «کسانی که به خیال خودشان روشنفکر هستند و **مجلس مؤسسان** میخواهند باید دست از شیطنت خودشان بردارند. اینها اصولاً با

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

اسلام مخـالفند و از آن میترسـند» (در جلسـه معارفـه بـا اعضـای مجلـس خبرگان، قم، ۲۷ امرداد ۱۳۵۸).

ـ «بنی‌صدر بارها به من گفت این دولت را کنار بگذاریـم. اینـها قـرار داشتند **مجلس خبرگان** را منحل کنند به این بهانه که مجلـس غیرقـانونی است. میگفتند به بیسـت و دوم بـهمن بـرگردیـم و از نـو شـروع کنیـم. نـه مجلس، نه جمهوری اسلامی و نـه هیـچ چـیز دیگـر نداشـته باشـیم، و رأی بگیرند به جمهوری دموکراتیک» (در دیدار با مهدی کروبی سرپرست بنیـاد شهید و اعضای هیئت تحریریه ماهنامه شاهد، جماران، ۴ تیر ۱۳۶۰).

رفراندم

در بهمن‌ماه سال ۱۳۴۱، به مناسـبت رفراندمـی کـه محمـد رضاشـاه پهلوی در مورد تصویب یا رد قانون اصلاحات ارضـی و سـایر مـواد ششـگانه انقلاب سفید در سطح ملی ترتیب داده بود، جمعی از بازاریان تهران در بـاره شرعی بودن یا نبودن این رفراندم از خمینی استفتاء کردند و وی در جـواب فتوی داد که «**رفراندم** که به لحاظ رفع بعضی اشکالات نام تصویب ملی بـه آن داده شده **مخالف اسلام اسـت** و اساسـاً **رفرانـدم در قبـال اسـلام ارزشی ندارد**. مقامات روحانی از این بابت برای قرآن و اسلام احساس خطر مینمایند و وظیفه دارند این احسـاس خطـر را بـه مـردم مسـلمان گوشـزد نمایند تا در پیشگاه خداوند متعال مسئول نباشند».

* * *

ـ «همه کسانیکه در **رفراندم برای برقراری جمـهوری اسـلامی** شرکت کردند و بیست میلیـون رأی بـه صندوقـها ریختنـد **بـه راه اسـلام رفتند**. آن صد و چهل و پنج هزار رأی منفی که به رفرانـدم بـرای تصویـب جمهوری اسلامی داده شد از دست نشانده‌های آمریکا و **دشـمنان اسـلام** بود و معنایش این بود که ما طاغوت را میخواهیم. اینهایی که الآن در ایـران

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

مشغول فتنه هستند ملت نباید به آنها اعتنا کند و باید آنها را رد کند. اینها با آمریکا مرتبط هستند، هرچند اسمشان چیز دیگر است» (در دیدار با جامعه فرهنگیان قم، ۱۵ فروردین ۱۳۵۸).

نظامی‌ها و سیاست

ـ «حق رأی دادن در جمهوری اسلامی حقی است که برای همه آحاد و افراد این مملکت وجود دارد. **چرا باید نظامی‌ها از حق دخالت در تعیین سرنوشت خودشان ممنوع باشند؟** این حق را مساوات اسلامی برای آنها قائل شده است و در حکومت طاغوت برخلاف قوانین اسلام از آنها سلب شده بود» (در مصاحبه با خبرگزاری فرانسه، تهران، ۲۶ اسفند ۱۳۵۷).

* * *

ـ «از اموری که برای همه قوای مسلح لازم میدانم عدم دخالت در امور سیاسی است. شما افراد قوای مسلح خودتان را از این کارها کنار بکشید و گروه‌گرائی نکنید. شما همه جند خدا و لشکر امام زمان هستید» (در جمع مسئولان اداره سیاسی و ایدئولوژیک شهربانی‌های کشور، ۴ اسفند ۱۳۵۹).

ـ «**برای نظامی‌ها جایز نیست که وارد بشوند در سیاست.** به آنها چه ربطی دارد که در مجلس چه میگذرد؟ به من اطلاع داده‌اند که بین پاسداران صحبت از شرکت در انتخابات است. این به پاسدارها چه مربوط است؟ برای سپاه جایز نیست این. برای ارتش جایز نیست این. اینها خلاف مصالح جمهوری اسلامی است. خلاف اسلام است» (در دیدار با رئیس جمهوری و نخست‌وزیر و مقامات عالیه جمهوری اسلامی به مناسبت سالروز تولد امام رضا، ۱۹ امرداد ۱۳۶۳).

ـ «به قوای مسلح سفارش میکنم که در امور سیاسی دخالت نکنند. آنها باید مشغول جنگ باشند. نمیگویم که از کار مجلس مطلع نباشند، ولی

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

در امور مربوط به آن دخالت نداشته باشند» (در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۲۴ مهر ۱۳۶۴).

افسران

ـ «افسران و درجه‌داران ارتش از این نگران نباشند که ما با آنها بدرفتاری کنیم. اینها دروغ‌هائی است که دشمنان اسلام به ما نسبت میدهند. ما برحسب وظیفه اسلامی **خودمان امنیت آنها** را از هر حیث محترم خواهیم شمرد» (در نخستین سخنرانی در بازگشت به تهران، بهشت زهرا، ۱۲ بهمن ۱۳۵۷).

* * *

ـ «این جلادها را باید از همان اول **بدون ترحم کشته باشیم**. بیجهت است که تاکنون بیشترشان را در زندانها زنده نگاه داشته‌ایم و الآن هم در زندانها هستند» (پیام رادیو تلویزیونی به ملت، بمناسبت رفراندم جمهوری اسلامی، ۱۲ فروردین ۱۳۵۸).

جاسوسی

ـ «هیچکس حق ندارد برای کشف جرم و گناه **جاسوسی دیگران** را بکند، زیرا این **خلاف صریح مقررات اسلام است**[1]. هرکس که مرتکب چنین گناهی شود مجرم است و مجازات خواهد شد». (ماده ششم از فرمان هشت ماده‌ای خمینی خطاب به تمامی مردم ایران، جماران، امرداد ۱۳۶۱)

* * *

۱ ـ قرآن، سوره حجرات، آیه ۱۲: «ای کسانیکه ایمان آورده‌اید، از سوء ظن مبالغه‌آمیز در مورد دیگری و از جاسوسی در باره دیگران اجتناب کنید».

مجله اینترنتی آرای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

ـ «دانش‌آموزان عزیز باید با کمال دقت **اعمال و کـردار دبـیران و معلمین خود را زیر نظر بگـیرند** و اگـر خـدای نـاکرده در یکـی از آنـان انحرافی ببینند بلافاصله به مقامات مسئول گـزارش نمـایند. خـود دبـیران و معلمین نیز با هوشیاری مواظب همکاران خود باشند تا اگـر بعضـی از آنـان خواستند افکار انحرافی خود را در خلال تدریس به فرزندان اسلامیمان القـاء کنند از آنان جلوگیری نمایند، و در صورتیکه فایده‌ای نبخشـید بـا قـاطعیت مطلب را با مسئولان در میان بگذارند. فرزندان عزیزم خود نیز از یکدیگر بـه بهترین وجه مراقبت نمـایند و در صورتیکـه مشـاهده کردنـد کـه بعضـی از دشمنانشان در لباس دوست و همشاگردی میخواهند آنانرا جذب گروه خـود کنند به مقامات مسئول معرفی نمایند و سعی کنند **این کـار را بصورتـی مخفی انجام دهند**. مادران و پدران متعهد از رفت و آمدهـای فرزندانشـان سخت مراقبت نمایند و آنانرا زیر نظر بگیرند. روح‌اله الموسوی الخمینی»

(دستورالعمل به دانشجویان و دانش‌آموزان و استادان و دبیران آنها، بمناسبت روز بازگشائی مدارس در سال تحصیلی ۱۳۶۱-۱۳۶۲، اول مهرماه ۱۳۶۱).

مواد مخدر

ـ «تعجب میکنم که این دولـت (دولت شـاه) چگونـه فکـر میکنـد. بطوریکه روزنامه‌ها نوشته‌اند در نظر دارند قاچاقچیان هروئین را اعدام کننـد. این موضوع **نه تنها خلاف اسلام است**، خلاف انسانیت هم هست. البته من نمیگویم که باید هروئین بفروشند، ولی میگویـم کـه مجـازات فـروش مـواد مخدر شرعاً اعدام نیست» (خمینی، در کتاب ولایت فقیه، نجف، ۱۳۵۵).

* * *

ـ «اینهایی که مواد مخدر میفروشند **شرعاً مستوجب اعدامند** و بـاید بدون هیچ تأخیری اعدام شوند. هیچ ترحمی هـم در مـورد آنـها جـایز نیسـت» (بیانیه خمینی در مقام رهبر جمهوری اسلامی، تهران، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۹).

مجله اینترنتی آرای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

کشف حجاب

ـ «قضیه کشف **حجاب** مطلبی نبود که میخواستند مثلاً ده ملیون زن را وارد جامعه کنند. میخواستند **مراکز فحشائی درست کنند** که از تهران تا آخر تجریش شامل صدها مرکز عشرتکده باشد». (در دیدار با شرکت‌کنندگان ایرانی کنفرانس دهه زن در کپنهاگ، جماران، ۱۹ شهریور ۱۳۵۹)

ـ «نقشه اجانب این بود که از زنهای ما عروسکهائی درست کنند و به دست ملعبه‌های فاسد بسپارند. نقشه این بود که اطفال را از دامن آنها برانند و در جاهای دیگر انباشته کنند و شما را از مهر مادری و آنها را از سرپرستی مادرانشان جدا کنند تا این افراد نتوانند **برای اسلام عزیز عمل کنند**. نقشه این بود که با توطئه مفتضح کشف حجاب در زمان آن قلدر نافهم، این قشر عزیز را به یک قشر فاسد تبدیل کنند». (در جمع بانوان عضو مؤسسه دوازدهم فروردین، قم، ۲۵ اسفند ۱۳۵۹).

ـ «آنهائی که تمدن و تعالی مملکت را لخت شدن زنها در خیابانها میدانند و به گفته خودشان با کشف حجاب نصف جمعیت مملکت کارگر میشود (لکن آن کاری که همه شما میدانید و میدانیم) حاضر نیستند مملکت با طرز معقولانه و در زیر **قانون خدا** و عقل اداره شود». (کشف‌الاسرار، ص ۲۲۳)

ـ «این حیوانهای شهوت‌ران که میخواهند با نام ترقی کشور با دختران جوان مردم به رقص و عیش و نوش بپردازند از این کشف حجاب ننگین که عفت جوانان ما را بباد میدهد و از خیانتهای بزرگ رضاخان به این کشور است دست برنمیدارند، غافل از اینکه دینداران با مشت آهنین مغز بیخرد آنانرا پریشان خواهند کرد و اساس شهوترانی آنانرا بر سرشان خراب خواهند نمود». (همان کتاب، ص ۲۸۳)

ـ «این محمد رضا با قلدری، فشار، زدن، گرفتن، چادر پاره کردن، دست به گیسهای زنها گرفتن و کشاندن، گذراند و اساساً برخلاف عفت زنها قیام کرد. با یک توطئه خاصی میخواست **همه زنهای ما را به فحشا بکشد** و عفت را از جامعه ما بردارد» (در جمع گروهی از زنان عضو مکتب اسلامی قم و مسجد جامع نارمک، ۱۹ فروردین ۱۳۶۳).

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

وهابی‌ها و سعودی‌ها

ـ «سعودی‌ها وارثان ابن‌سعود و عبدالعزیز سعود از وحشی‌های نجد و شترچرانهای ریاض و از رسواترین ملل جهان هستند که از وهابی‌های عاری از دانش و تمدن تقلید میکنند. این ماجراجویان عقب افتادن خودشان را از ملل دنیا و **بازماندنشان از تمدن امروزه اروپا** را عقیده به دین و پیشوایان آن حساب میکنند و افسارگسیختگی و ترک مراسم دینی را اسباب تعالی و تمدن میشمارند، بطوریکه جمیع مراسم مذهبی و تشریفات دینی را کنار گذاشته حتی پیغمبر را پس از رحلت او از چوبدستی کمتر دانستند» (کشف الاسرار، ص ۵ و ۶).

* * *

«اینجانب تمام گرفتاریها و بدبختی‌های مسلمین و دولتهای ممالک اسلامی را در **اختلاف و نفاق بین آنها** میدانم، زیرا دستورات عبادی سیاسی پیامبر اسلام مسلمانان را به اعتصام به حبل‌الله دعوت میفرماید و از **هرگونه تفرقه و اختلاف برحذر میدارد**» (پاسخ خمینی به پیام دوستانه ملک خالد پادشاه عربستان سعودی، ۱۹ مهر ۱۳۶۰).

مهدی بازرگان

ـ «آقای مهندس بازرگان را که مردی است صالح و عقیده‌مند به دیانت، به عنوان رئیس دولت موقت معرفی میکنم. من که ایشان را به این مقام منصوب میکنم **بواسطه ولایتی است که از طرف شارع مقدس دارم**. لذا متذکر میشوم که این حکومت یک حکومت شرعی است و ملت باید از او تبعیت کند. مخالفت با چنین حکومتی مخالفت با شرع است و قیام علیه آن قیام علیه شرع است. به کسانی که خیال کارشکنی در سر دارند اعلام میکنم که قیام بر ضد حکومت الهی قیام بر ضد خدا است» (در جمع خبرنگاران داخلی و خارجی، تهران، ۱۵ بهمن ۱۳۵۷).

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

ـ «مجدداً اعلام میکنم که موافقت با دولت جناب مهندس بازرگان که دولت شرعی و **دولت امام زمان سلام‌اله علیه** است تکلیف شرعی است و مخالفت با آن حرام است و خدمت به طاغوت و خدمت به کفر و شرک و اجانب است» (پیام به مناسبت راه‌پیمائی عمومی روز ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ در تهران).

* * *

«این قضیه که مجلس خبرگان غیرقانونی است در زمان دولت موقت بازرگان مطرح شد. بازرگان و رفقایش پیش من آمدند و گفتند که خیال داریم این مجلس غیرقانونی را منحل کنیم. **گفتم شما چه کاره هستید** که میخواهید این کار را بکنید؟ چه سمتی دارید که بتوانید مجلس را منحل کنید؟ **پا شوید بروید سراغ کارتان و از این فضولی‌ها نکنید.** وقتی که دیدند مسأله محکم است، کنار رفتند. مسئله انحلال مجلس خبرگان روی این زمینه بود که دیدند این مجلس خبرگان یک مجلس اسلامی است که اکثرش از علما هستند و **اینها از همین علما میترسند.** برای اینکه اگر علما قانون بنویسند، قانونی مینویسند که با مزاج غرب و شرق سازش ندارد. از این جهت بود که شیاطین طرح انحلال مجلس خبرگان را درست کردند. **اینها میخواستند این جمهوری اسلامی نباشد** و هر چه میخواهد باشد. جمهوری باشد، جمهوری دموکراتیک باشد، جمهوری خلق باشد، اما اسلام تویش نباشد. برای اینکه اگر اسلام تویش باشد برای اربابهای آنها رأی پیدا نمیشود» (در دیدار با فرماندهان نیروهای سه‌گانه ارتش جمهوری اسلامی، جماران، ۲۴ خرداد ۱۳۶۰).

ابوالحسن بنی‌صدر

ـ «آقای بنی‌صدر رئیس جمهور از امروز به نمایندگی از طرف اینجانب به فرماندهی کل قوا منصوب میشوند و هر کس در هر مقامی و هر قشری باید ایشان را تأیید کند» (در پیام آغاز سال نو ۱۳۵۹ به ملت ایران).

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

ـ «جناب آقای بنی‌صدر را همین مردم کوچه و بازار از پاریس آوردند اینجا و رئیس جمهور کردند، برای اینکه **مردی مسلمان است، مؤمن است، خدمتگزار است**» (در دیدار با استانداران کشور، جماران، ۱۸ آذر ۱۳۵۹).

ـ «اینکه بعضی‌ها با آقای بنی‌صدر مخالفت میکنند، این را اشخاصی میکنند که **تعهد به اسلام ندارند**، تحریک میکنند چه از خارج و چه از داخل» (در دیدار با نمایندگان کارگران ذوب‌آهن و جهاد سازندگی کرمان و زرند، جماران، ۱۵ بهمن ۱۳۵۹).

ـ «از این آقای بنی‌صدر رئیس جمهور گرفته تا من طلبه، **همه خدمتگزار اسلام هستیم** الآن. نباید حب و بغض در دلمان باشد. چرا باید بواسطه حب و بغضی که با یک رئیس جمهور داریم کاری کنیم که دنیا به جمهوری اسلامی ما بدبین بشود؟» (در دیدار با هیئت دولت و نمایندگان مجلس بمناسبت سالروز میلاد پیامبر اسلام، جماران، ۵ بهمن ۱۳۵۹).

* * *

ـ «این آدم از اول ادعا میکرد که مسلمان است و برای اسلام کار میکند و کذا. **من هم از اول فهمیدم که دروغ میگوید**. بعد هم گفت که مخالف با آمریکا است، که این هم دروغش معلوم بود. همین آدم که میگفت با کشورهای ستمگر مخالف است **حالا خودش به کشورهای ستمگر رفته است که با اسلام مخالفت کند**. این آدم دیگر هیچ جای پایی در این مملکت ندارد. اگر داشت همینجا میماند. از اول معلوم بود که بنای شیطنت داشته است. این دولتهای بزرگ از اولی که **نقشه استعمار را کشیدند** در هر جا **مأمورینی** گذاشتند. باید خیلی توجه داشته باشید که اینها از آنها چیزی نباشد درش از اینها. اینها باید همانجاها بمانند و مقاله بنویسند و هیاهو کنند و با اربابهای خودشان بست و بند کنند به خیال اینکه کاری برمیآید از آنها» (در دیدار با گروهی از افسران و درجه‌داران شهربانی و اعضای انجمنهای اسلامی دانشجویان خارج از کشور، جماران، ۳ شهریور ۱۳۶۰).

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

ـ «چند روز دیگر مسئله انتخابات رئیس جمهوری است. باید تمام شما با کمال جدیت مردم را به دخالت در این انتخابات دعوت کنید. اگر شماها حاضر نشوید و یک **رئیس جمهوری مثل بنی‌صدر برایتان بتراشند** و همه ما را بازی دهند همه ما مسئول هستیم. اگر شما از صحنه خارج شوید و آنها خودشان وارد شوند که یک نفری را رئیس جمهور کنند که کشور را تباه کند، چنانکه تباه کرد، همه ما مسئولیم. اگر یک رئیس جمهور ناباب داشته باشیم همه چیزها از میان میرود. حالا هم به مقاله‌هایش مبتلا هستیم» (در دیدار با جمعی از روحانیون تهران، جماران، ۱۰ شهریور ۱۳۶۰).

حرم مطهر امام خمینی

در نخستین ماههای استقرار جمهوری اسلامی، آیت‌الله خمینی در دیدار با بازاریان تهران گفت: «**ساختمان قصرهای مجلل هیچ افتخاری ندارد**. خانه پیامبر اسلام تنها شامل چند اطاق بود که سقف آنها با ساقه و شاخه درخت خرما پوشانده شده بود. عده‌ای از اصحاب او حتی همین را هم نداشتند و روی سکوبی در مسجد میخوابیدند. معنی ندارد که دسته‌ای از مردم آن بالاها باشند و کاخ بسازند، دسته‌ای هم زاغه‌نشین باشند. این منطق نه اسلامی است و نه انسانی».

قاعدتاً همین آیت‌الله، در محل قدسی کنونی خود در جمع انبیاء، میباید خبر داشته باشد که برای ساختمان گنبد و بارگاه مقبره خود او که از حیث مساحت **بیشتر از ۵۰۰ برابر مسجد و مرقد خود پیامبر اسلام** و از حیث تجمل بالاتر از مجموع مراقد امامان شیعه در عراق و ایران است تاکنون **دو میلیارد دلار** خرج شده است، و این مخارج همچنان ادامه دارد.

در فروردین‌ماه ۱۳۷۲ روزنامه‌های جمهوری اسلامی ایران گزارش دادند که طرح بنای آرامگاه آیت‌الله خمینی به تصویب ولی فقیه و رئیس

مجله اینترنتی آرای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

جمهوری رسیده و دستور شروع آن داده شده است. بموجب این طرح آرامگاه و نمازخانه آن شامل ۶۰۰ هزار مترمربع فضای سرپوشیده، شبستان، ایستگاه مترو، موزه، مرکز پست و تلگراف، بی‌سیم، چاپخانه، مرکز انتشارات و تبلیغات، بناهای مربوط به برگزاری نمازهای جماعت، رستوران و فضایی وسیع و مشجر است. ششصد هزار مترمربع فضای سرپوشیده، یعنی مساحت مسقفی به طول یک کیلومتر و عرض بیش از نیم کیلومتر، **طول و عرضی** که نظیر آنرا در **هیچیک از دیگر بناهای مذهبی جهان**، چه اسلامی، چه مسیحی یا بودائی یا هر مذهب دیگر نمیتوان یافت. نشریه آلمانی Bild با نقل این گزارش پرسیده است: هزینه اجرای این طرح عظیم‌تر از ورسای و شون‌برون و باکینگهام پالاس در مملکتی که در آن دست کم یک سوم مردمش با فقر و بحران شدید مالی دست به گریبانند و هزاران نفر در آن از عدم دسترسی به دارو و درمان لازم جان میسپارند از کجا تأمین میشود؟ و خود نشریه حساب کرده است که با هزینه بنای این آرامگاه میتوانست **یکصد بیمارستان** یا **۱۰،۰۰۰ مدرسه** یا **۴۰،۰۰۰ مسکن** برای بیخانمانان ساخته شود.

وقتیکه امام بیاید...

ـ «برای همه مردم مسکن میسازیم. **آب و برق را برای طبقه مستمند مجانی میکنیم**. اتوبوس را برای طبقه مستمند مجانی میکنیم. **نفت را برای طبقه مستمند مجانی میکنیم**. هم دنیاتان را آباد میکنیم، هم آخرتتان را آباد میکنیم» (در دیدار با طلاب مدرسه علمیه قم، ۱۰ اسفند ۱۳۵۷).

ـ «همه مردم ایران **صاحب مسکن شخصی** خواهند شد» (اعلامیه دولت در تهران، ۸ فروردین ۱۳۵۸).

«**وقتیکه امام بیاید**، دیگر کسی دروغ نمیگوید. دیگر کسی به خانه

مجله اینترنتی آرای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

خود قفل نمیزند. مردم برادر همدیگر میشوند و نان شادیشان را بـا یکدیگـر به عدل و صداقت تقسیم میکنند. دیگر صفی وجود نخواهد داشت: صفـهای نان و گوشت. صفهای نفت و بنزین. صفهای مالیات. صفهای فیلم و اتوبـوس. صفهای زهرمار... و صبح بیداری و بهار آزادی لبخند میزند. باید امام بیاید تـا حق بجای خود بنشیند، و باطل و خیانت و نفرت در روزگـار نمـاند. وقتیکـه امام بیاید، ایران، این مادر شکسته رنجور، برای همیشه از بند جهل و جـور و غارت و شکنجه و زندان آزاد میشود.

امام میآید. با صدای نوح، با طیلسان و تیشه ابراهیم، بـا عصـای موسـی، بـا هیات صمیمی عیسی، و با کتاب محمد، و دشتهای سرخ شقایق را مـیپیمـاید، و خطبه رهائی انسان را فریاد میکند» (شعر نو، نقل از روزنامـه جنبـش، در سـالروز بازگشت خمینی، ۷ بهمن ۱۳۵۸).

* * *

و وقتی که امام آمد...

«هی میگوئید گرانی است. کمبود است. یعنی ما بیائیم ناموسهای خودمـان را، جان خودمان را، **اسلام عزیز خودمان** را به خطر بیندازیم کـه گوشـت گـران است و میوه گران است و مردم ناراضی هستند، و همه نوامیس و همـه زحمتـهای **انبیاء علیه‌السلام** به باد فنا بروند! **یک قدر آدم بشوید!** خداوند تعـالی عنایـات خاصه غیبیه خـودش را بـه شـما ارزانـی فرمـوده. اگـر از وضعـی کـه الآن داریـد شکرگزار نباشید خوف آنرا دارم که خداونـد قـهار بـر شـما غضـب فرمـاید و تـر و خشک را با هم بسوزاند و راه گریزی هم برایتـان نباشـد» (خمینـی، در دیـدار بـا وزیر و مسئولان بلندپایه وزارت کشور، ۲۱ فروردین ۱۳۶۲)[1].

---

۱ ـ در تاریخ ۱۹ امرداد همان سـال، موسـوی اردبیلـی رئیـس قـوه قضائیـه کشـور و از متنفذترین مقامات بعد از خمینی، در خطبه نماز جمعـه در شـهر تـبریز اظـهار داشـت: «حقیقت این است که ما برای مستضعفین هیچ کاری نکرده‌ایم. در اول انقـلاب بـه آنـها وعده دادیم که آب و برق برایشان مجانی خواهد بود، اما بعد از پنـج سـال میگوئیـم کـه نتوانستیم این کار را بکنیم. متأسفانه وعده‌های زیاد دیگری هم در بدو پـیروزی انقـلاب دادیم که آنها هم عملی نشده‌اند. حالا بهر علتی بوده ولی نتیجه همین بوده است».

مجله اینترنتی آرای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

کاخ‌ها و کوخ‌ها

ـ «بحمدالله امروز دولت ما یک دولت کاخ‌نشین نیست و **کوخ‌نشین است**. آن روزی که دولت و مجلسیان ما خوی کاخ‌نشینی پیدا کنند آن روز است که انحطاط برای خود آنها و برای کسانی که با آنها تماس دارند پیدا میشود. ما در طول مشروطیت از این کاخ‌نشین‌ها چقدر صدمه خوردیم.

یکی از نعمت‌های بزرگی که خدای تبارک و تعالی به ملت ما عنایت فرموده این است که **حکومت امروز آن حکومت مستضعفین و محرومین است**. آنهایی که در رأس حکومت واقع شده‌اند از میان مردم هستند. رئیس کشورش، رئیس مجلسش، رئیس دولتش، وزرا و وکلایش... **هیچیک از آنها نه ثروتی دارند نه زندگی اشرافی** که بترسند از دستشان گرفته شود. از شهید شدن هم خوف ندارند. از چه بترسند؟ از اینکه مقامی از آنها گرفته شود؟ **یا دارائی که ندارند** از آنها گرفته شود؟» (در دیدار با پرسنل راه و ترابری و مسئولان وزارت‌های نیرو و آموزش و پرورش، جماران، ۱۱ امرداد ۱۳۶۲).

ـ «این رئیس جمهور ما که بالاترین مقام را دارد (علی خامنه‌ای)، این رئیس مجلس ما (هاشمی رفسنجانی)، این رئیس دیوان عالی کشور ما **همه وضعشان امروز مانند زمان طلبگی‌شان است**. کیفیت سلوک و زندگی و نشست و برخاستشان را هم با مردم همه می‌بینند» (در دیدار با رئیس دیوان عالی کشور و قضات شورای عالی قضائی، ۱۹ دی ۱۳۶۱).

* * *

قصرهای افسانه‌ای تهران

علی اکبر ناطق نوری، تا پیش از انقلاب از راه تدریس زبان فارسی و عربی به فرزندان خانواده های متعین زندگی میکرد، و در دروان حکومت

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

اسلامی به ریاست مجلس رسید و بعد در آستانه ریاست جمهوری قرار گرفت. اکنون کاخ مسکونی او در منطقه اشرافی شمال تهران با وسعت ۵۰ هزار متر و دارای باند مخصوص هلیکوپتر، یکی از افسانه‌ای‌ترین کاخهای ایران است. از ویژگی‌های این کاخ یکی از غنی‌ترین موزه‌های آثار عتیقه دنیا است که توسط رفیق‌دوست رئیس بنیاد مستضعفان از راه غارت مراکز تازه کشف شده باستانشناسی ایران در اختیار او گذاشته شده است تا تدریجاً در شرایط مناسبی به خارج از کشور فرستاده شود. بهمین جهت سیستم حفاظتی کاخ از مجهزترین سیستم‌های حفاظتی تمام جهان است.

کاخ عرضی وزیر پیشین پست و تلگراف ایران در شمال کاخ سلطنتی پیشین نیاوران، ۳۷ هزار مترمربع مساحت دارد و همه کاشیکاریها و مجسمه‌ها و پلکان‌های آن از مرمرهای معروف ایتالیا ساخته شده است. کاخ هفت در ورودی دارد که هرکدام از آنها با نگهبانان خاص و سگهای تربیت شده پاسداری میشوند.

کاخ جداد عادل، رئیس کنونی پارلمان ایران، در دارآباد نیاوران که کاخ ده میلیارد تومانی نام گرفته است، از طرف بنیاد مستضعفان بدو واگذار شده است و کاخ علی اکبر ولایتی وزیر سابق امور خارجه که دالان اختصاصی آن گردشگاه روزهای جمعه رهبر مذهبی جمهوری اسلامی است، از لحاظ لوکس و محتوای خود کاخ سلطنتی پیشین را تحت‌الشعاع قرار داده است.

بنیادها

نقل از گزارش مخصوص گزارشگر نشریه اقتصادی Expansion از مشهد، اکتبر ۲۰۰۶ (آبان ۱۳۸۵)

«امور اقتصادی کشور ۷۰ میلیون نفری ایران، با درآمد نفتی ۵۶ میلیارد دلار در سال جاری، عمدتاً توسط ۱۰ بنیاد مذهبی اداره میشود که در حال حاضر امپراتوری اقتصادی جمهوری اسلامی را تشکیل میدهند.

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

این بنیادها که جمعاً ۳۵ تا ۴۰٪ درآمد سالانه (PIB) کشور یعنی مبلغی معادل ۱۲۰ میلیارد یورو را بخود اختصاص داده‌اند هیچکدام مالیاتی به دولت نمی‌پردازند. البته همه آنها از سال ۲۰۰۲ قانوناً متعهد به پرداخت مالیات شناخته شده‌اند، ولی در عمل خودشان را متعهد به پرداخت مالیاتی جز به خدا نمیدانند. طبق تازه‌ترین برآوردها، وزنه اقتصادی این ده بنیاد نسبت به درآمد ناخالص کل سالانه کشور بدین قرارند: بنیاد آستان قدس رضوی ۷٫۱٪؛ بنیاد مستضعفان ۵٫۷٪؛ بنیاد سپاه پاسداران ۵٫۵٪؛ بنیاد فاطمه زهرا ۳٫۶٪؛ بنیاد صاحب‌الزمان ۳٫۳٪؛ بنیاد ۱۵ خرداد ۱٫۱٪؛ بنیاد زینب کبرا ۱٪؛ کمیته امداد امام خمینی ۰٫۹٪؛ بنیاد شهدا ۰٫۶٪؛ بنیاد بسیجیان ۰٫۲٪؛ سازمانهای دیگر ۵٫۴٪ جمع ۳۴٫۶٪.

غالب این بنیادها بعد از انقلاب سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷ شمسی) پا به وجود گذاشته‌اند. از دیدگاه رسمی، علت وجودی همه آنها این بوده است که اموالی که پس از برکناری شاه از خانواده‌های ثروتمند مصادره شد در این بنیادها متمرکز شود تا از طریق سازمانهای خیریه به مصرف کمک به طبقه مستمند برسد. بدین ترتیب کلیه اموال دولتی (بانک‌ها، تعاونی‌های کشاورزی، کارخانه‌ها، ساختمانهای مسکونی، شرکتهای نفتی، مهمانخانه‌ها) در اختیار ملاها قرار گرفتند. ولی خیلی زود این ملاها خودشان به سرمایه‌گذاریها و سودجویی‌های کاسبکارانه کلان روی آوردند. به عنوان نمونه، بنیاد مستضعفان که امروزه دومین امپراتوری اقتصادی کشور (بعد از آستان قدس رضوی) است، بصورت مجموعه‌ای از شرکتهای چندملیتی عمل میکند که بانک‌های متعدد و هتل‌های لوکس و کارخانه‌های نوشابه‌سازی و آبهای معدنی و شرکت‌های تولید کننده مشتقات نفتی و سیمان و شرکت کشتیرانی بین‌المللی و معاملات مختلف در خارج از کشور از جمله آنهایند. ده سال تمام این بنیاد به ریاست شخصی بنام رفیق‌دوست اداره میشد که تنها امتیازش این بود که راننده اتومبیلی بود که خمینی را در بازگشت به کشور در سال ۱۳۵۷ از فرودگاه به تهران آورده بود. این شخص اندکی بعد از طرف خمینی به وزارت پاسداران انقلاب برگزیده شد و بعداً به ریاست

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

بنیاد مستضعفان رسید که در حال حاضر حدود ۴۰۰,۰۰۰ کارمند دارد. ثروت شخصی رفیق‌دوست به بیش از ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است. قلمرو عمل خاص این بنیاد خرید و فروش ساختمان‌های مسکونی در تهران، مخصوصاً در محلات اعیان‌نشین شمال شهر است. بسیاری از کارخانه‌ها در این بخش از شهر توسط این بنیاد خریداری میشوند و بعداً ورشکستگی آنها اعلام و خراب میشوند تا بدین ترتیب زمین‌های آنها به مصرف ساختمان و فروش آپارتمانهای تازه برسد. یک اقتصاددان بسیار سرشناس با نیشخند بمن گفت: «ظاهراً این همان کمکی است که از طرف بنگاه مستضعفان به مردم تنگدست وعده داده شده بود».

بهره‌گیران اصلی این فعل و انفعال‌ها عموماً مقامات بلندپایه مذهبی و پاسداران انقلاب وابسته به مراجع قدرت هستند که سهم اصلی عواید به جیب آنها سرازیر میشود. بسیاری از اقتصاددانان بر این عقیده‌اند که سلاح‌های «دوستان» برونمرزی ملاها، و در رأس آنها حزب‌الله لبنان از همین مجرا تأمین میشود.

امپراتوری اقتصادی شماره یک کشور بنیاد آستان قدس رضوی است که به تمام معنی بصورت «دولتی در داخل دولت» عمل میکند. موزه این آستان، با آثار هنری طلاکاری و جواهرنشان و با فرشهای گرانبهای بی‌نظیر خودش گوشه‌ای از ثروت این بنیاد است، که هدایا و نذورات ۱۴ میلیون نفر زائری که هر ساله به مشهد میآیند مرتباً بر آن میافزاید. ولی منبع اصلی درآمدهای این بنیاد ـ که با تمامی درآمدهای کشور برابری میکند ـ عواید حاصل از سرمایه‌گذاریهای آن در بیش از یکصد شرکت مصالح کشاورزی، امور ساختمانی، امور نساجی، ورود و فروش مواد داروئی، شرکتهای نفتی، مراکز ورزشی، تهیه و فروش فرآورده‌های لوکس است. میلیاردها دلار از وجوه این بنیاد با همکاری سرمایه‌گذاران عربستان سعودی و امارات عربی متحده در ایجاد بانکهایی برای اجرای پروژه‌های ساختمانی و معاملات بزرگ تجارتی خارجی بکار گرفته شده است. بخش دیگری از این هزینه‌ها سرمایه‌گذاری در شرکت بین‌المللی «استارلایت» است که لباسهای سکسی

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

زیرین زنان را تولید میکند. لازم به تذکر است که معاملات مالی این بنیاد و کلیه بنیادهای دیگر براساس ضوابط مالی بین‌المللی و نه براساس قوانین معاملات اسلامی که بهره‌برداری از پول را منع کرده است، انجام میگیرد. منطقه اقتصادی «آزاد» سرخس که در سال ۱۹۹۶ در مرز ایران و ترکمنستان ایجاد شده است و دارای فرودگاه و راه‌آهن اختصاصی است هر ساله میلیاردهای تازه‌ای را روانه آستان قدس رضوی میکند.

رئیس تام‌الاختیار این امپراتوری اقتصادی آیت‌اللهی بنام واعظ طبسی است که نمایندگی مخصوص «رهبر معظم» کشور را در استان خراسان بر عهده دارد. از دیدگاه رسمی اداره امور این استان با استانداری است که از جانب رئیس جمهوری مملکت برگزیده میشود، ولی در عمل همه اختیارات در دست واعظ طبسی متمرکز شده است که به تعبیر رئیس اطاق تجارت این استان هیچ کاری بدون موافقت او انجام نمیگیرد، و غیر از این هم نمیتواند باشد، زیرا بخش اعظم زمینهای شهر دو میلیون نفری مشهد و ۴۰٪ از اراضی مزروعی تمام استان خراسان به مساحت ۷۰۰,۰۰۰ هکتار زیر نظر مستقیم واعظ طبسی قرار دارند که شمار کارمندان او از بابت اداره این اراضی از ۳۰۰,۰۰۰ نفر تجاوز میکند.

این واقعیت یادآور دوران حکومت پارت‌ها (اشکانیان) در ایران است که مملکت بصورت ملوک‌الطوایفی اداره میشد، و هر استان آن مانند کشور مستقلی زیر نظر حکومت مرکزی عمل میکرد. مدیر ماهنامه اقتصادی Iran Economics که یک اقتصاددان برجسته است، در ارتباط با این موضوع به من گفت: «خطرناکترین پیامدی که این وضع بوجود آورده است این است که این بنیادها تمامی سیستم بانکی کشور را متزلزل کرده‌اند و از این راه از توسعه اقتصادی مملکت جلوگیری میکنند. مثلاً در سال ۲۰۰۴، پاسداران انقلاب طرح اداره فرودگاه تازه تهران و طرح دومین شبکه تلفنهای دستی را که هر دو از اهمیت خاص برخوردار بودند متوقف کردند تا منافع خاص خودشان را حفظ کرده باشند. بدین ترتیب، پس از بورژوازی مذهبی، بورژوازی نظامی است که به نوبه خود گردش کارهای کشور را فلج میکند.

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

تمام قرائن نشان میدهند که دست‌اندازی این بنیادها بر روند مالی امور کشور نه تنها در حال کاهش نیست، بلکه بالعکس در جریان گسترش نیز هست. در زمان ریاست جمهوری محمد خاتمی پارلمان ایران کوشیده بود تا به کار این بنیادها سر و صورتی بدهد. در سال ۲۰۰۳ مهدی کروبی رئیس مجلس آشکارا از دست‌اندازی انحصاری سپاه پاسداران بر بنادری که کالاهای تجارتی بدون پرداخت حقوق گمرکی از آنها وارد کشور میشوند شکایت کرده بود، ولی کار رسیدگی بدین پرونده خیلی زود مسکوت ماند، زیرا گذشته از آنکه این رسیدگی میتوانست واقعیتهای مربوط به نقل و انتقال منظم پول و اسلحه را از این بنادر روشن کند، میتوانست مسائل پشت پرده مربوط به ثروتمندان بزرگ کشور از قبیل هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری اسبق ایران را که اکنون در رأس مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار دارد و با ثروتی در حدود ۱۰ میلیارد دلار و داشتن انحصار فروش جهانی پسته ایران و سهیم بودن در شرکتهای بزرگ نفتی و بازار تلفنهای دستی یکی از پنجاه ثروتمند درجه اول جهان است، علنی سازد.

در حال حاضر پرزیدنت محمود احمدی‌نژاد که خودش عضو سابق سپاه پاسداران است وعده انجام اصلاحاتی «انقلابی» را داده است که بیش از هر چیز جنبه پوپولیستی (عوام‌فریبانه) دارد، مثلاً وعده کرده است که به طبقه محروم «سهام‌های بی‌بهره اجتماعی» بدهد، ولی به گفته یکی از استادان اقتصاد دانشگاه برای کسی که حتی پول خرید یک تکه گوشت در تمام طول هفته را ندارد، داشتن «سهام» به چه درد میخورد؟ چنین کسی ترجیح میدهد که سهام خودش را به بنیادهایی که آمادهٔ خرید آن هستند بفروشد تا پولی کمی بیشتر بدست بیاورد. در عین حال این امکان نیز وجود دارد که این محرومین قربانی مجازاتهایی اقتصادی نیز بشوند که میتوانند در ادامه سیاست «بمب اتمی» سازی رئیس جمهوری مملکت بر آنان تحمیل شوند. به گفته فریبرز رئیس دانا استاد اقتصاد که قبلاً از او نام برده شد، در صورت برقراری چنین مجازاتها، نتیجه این خواهد شد که خود این بنیادها جانشین آن شرکتهای خارجی شوند که دیگر اجازه معامله با ایران را

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

نخواهند داشت، و این بار باز هم منافع بیشتری از این بابت به جیب «سرمایه‌داران الله» سرازیر خواهند شد».

* * *

آمارهای منتشر شده از جانب گزارشگران بین‌المللی، از صدها خانه مجلل و ویلاها و مجتمع‌های توریستی حکایت میکنند که در بیست و چند ساله گذشته توسط ملاهای بزرگ و کوچک ایران در کشورهای مختلف اروپائی و در کانادا خریداری شده‌اند. یکی از این روحانیون، **هاشمی رفسنجانی** است که دو بار به ریاست جمهوری رسیده، از طرف مجله معروف «فوربس» **چهل و هشتمین مرد ثروتمند جهان** شناخته شده است. خانواده رفسنجانی اکنون تقریباً تمامی اهرمهای اقتصادی ایران را در دست خود دارد. یکی از دو برادر او صاحب بزرگترین **معدن مس** ایران، و یکی از برادرزاده‌های او اداره کننده انحصاری صنعت ۴۰۰ میلیون دلاری **پسته ایران** است. کنترل **متروی تهران** با ۷۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری در اختیار یکی از فرزندان رفسنجانی است. امور **مهندسی نفت و اتومبیل‌سازی** در دست فرزند دیگر او است. باید تذکر داد که فعالیت خانوادگی او به خود ایران محدود نمیشود، زیرا به گزارش همین مجله فوربس بهترین **سواحل دریایی** دوبی در خلیج فارس و گوآ در هند و تایلند متعلق به خانواده رفسنجانی است. بزرگترین مرکز تربیت اسب در نزدیکی تهران نیز در دست یاسر فرزند دیگر او است. مکانی که بدین پرورش اسب اختصاص داده شده ۴ میلیون دلار در هر هکتار قیمت دارد.

ثروت شخصی علی اکبر هاشمی رفسنجانی عمدتاً در حسابهای شخصی او در بانکهای اروپای غربی بخصوص سویس متمرکز شده یا در مراکز بورس و خرید و فروش اوراق قرضه و سهام شرکتها بکار افتاده است. **منبع اصلی این درآمدها عایدات نفتی ایران** است. ایران در تمام دوران جنگ با عراق بطور متوسط روزی دو میلیون بارریل نفت تولید کرده که فروش سالانه آن ۱۰ میلیارد دلار بوده، و بطور منظم نیمی از این مبلغ به

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

حسابهای شخصی کارگردانان رژیم واریز شده که نفر اول آنها هاشمی رفسنجانی بوده است.

از سال ۱۹۷۹ تاکنون در حدود ۱۰ میلیارد دلار ارز از ایران به حسابهای مخصوص ملاهای سرشناس ایران به امریکا انتقال یافته است، و البته این رقم غیر از مبالغی است که در سویس و آلمان و کشورهای دیگر اروپایی به حسابهای مقامات روحانی عالیرتبه جمهوری اسلامی منظور شده‌اند» (لوموند دیپلماتیک، سرمقاله شماره آوریل ۱۹۸۶).

بعد از «شهادت» بسیار مظلومانه آیت‌الله بهشتی و یاران ظاهراً ۷۲گانه او در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، هفته نامه معروف آلمانی Der Spiegel در ۷ ژوییه ۱۹۸۱ در این باره نوشت: «تبلیغات مربوط به شهادت بهشتی، آنچنانکه دولت جمهوری اسلامی آنرا ساخته و تحویل داده است، با گذشته این مرد جاه‌طلب اصفهانی کاملاً متناقض است، زیرا آنهائی که قبلاً با او سر و کار بسیار داشتند همواره او را آدمی ابن‌الوقت و فرصت‌طلب و عاری از هرگونه پای‌بندی اخلاقی یافته‌اند که بند و بست‌های سیاسیش بندرت جنبه عقیدتی و بسیار بیشتر جنبه تأمین منافع مادی او را داشته است. این شاگرد زبردست ماکیاول در هنگام سفر رسمی شاه به آلمان توانست با زمینه‌چینی به مقام امام مسجد شیعیان و رئیس مرکز اسلامی هامبورگ منصوب شود. پس از قدرت یافتن خمینی خود را به دامان او انداخت و در روزهای عید تولد مسیح، نمایندگانی از جانب او در هامبورگ پارتی‌های بزرگ از فرشهای نفیس ایرانی را برای فروش عرضه کردند، و همانوقت در روزنامه Die Welt آگهی شد که فرشهای ابریشمی بسیار نفیس کاخ ایران (با قید دقیق تعداد گره در هر مترمربع و مدت بافت هر قالی) برای فروش وارد بازار هامبورگ شده است. او از مقامش بعنوان عضو شورای عالی انقلاب مرتباً استفاده میکرد برای اینکه هم از خانواده مخالفان رژیم شاه برای آزادی رئیس خانواده رشوه بگیرد و هم متهمان را محکوم به اعدام کند.

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

برای نقل و انتقالات ارزی، بهشتی از روابط دیرینه‌اش در هامبورگ استفاده میکرد. در تاریخ ۲۱ اوت ۱۹۷۹ مبلغ ۶/۲۴ میلیون مارک توسط وی به وسیله بانک ملی در تهران به شعبه این بانک در هولتس بروکه هامبورگ حواله شد، و در ۳۰ اکتبر همان سال باز ۳۰۵ هزار مارک و در ۱۹ دسامبر همان سال و در هشتم آوریل، در هر نوبت ۸ میلیون مارک (با شماره حواله‌های ۲۵۹۸۴۱ و ۲۶۳۲۱۱) به حساب او ریخته شد. این مبالغ ابتدا به حساب مرکز اسلامی در هامبورگ ریخته میشد و بعد بوسیله یکی از کسان بهشتی به حساب شخصی دیگر او در «دویچه بانک» انتقال می‌یافت. البته اینکه بهشتی تا این حد منافع شخصی خود را بر منافع عمومی ترجیح میداد کمتر مایه ناراحتی اطرافیانش میشد، زیرا خود اینها نیز، که سایر رهبران انقلاب بودند، هرچه را که دستشان رسید به جیب زدند».

«هزینه اولیه ایجاد نیروگاههای برق اتمی در بوشهر ۴ میلیارد دلار برآورد شده بود که مهندس سحابی وزیر مشاور و مدیر عامل سازمان برنامه در کابینه موقت بازرگان این طرح را زائد و بیهوده خواند و اظهار عقیده کرد که بهتر است از سیلوهای ساخته شده برای ذخیره گندم استفاده شود، و با پیشنهاد او و تصویب دولت تکمیل و بهره‌برداری این طرح متوقف گردید».

ــ «برنامه‌های شاه برای انرژی هسته‌ای بلندپروازانه بود، بطوریکه پس از انقلاب این کار را متوقف کردیم. ولی بهمراه حذف برنامه‌های زائد متوجه شدیم که این امپریالیزم بود که حذف برنامه‌های هسته‌ای را در کشور ما هدف قرار داده بود»[1].

بمنظور بهره‌گیری از تکنولوژی هسته‌ای پیشرفته در جهت توسعه صنعت و اقتصاد، قرار شد پروژه نیمه‌تمام نیروگاه اتمی بوشهر بپایان برسد. متأسفانه چون با پیروزی انقلاب اسلامی مدتی مسئله انحلال نیروگاههای اتمی مطرح بود واحدهای مسکونی این سازمان در اختیار برادران و خواهران

---

۱ ـ از گزارش رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در باره فعالیتهای گذشته این سازمان، نقل از هفته‌نامه ایران تایمز، چاپ واشنگتن، ۱۸ خرداد ۱۳۶۳.

مجله اینترنتی آرای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

مهاجر قرار گرفت. ولی اکنون با توجه به اهمیت مسئله، طرح تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر مورد تأکید مقامات بالای کشور قرار گرفته است.

داستان متروی تهران، نمونه دیگری از هنرنماییهای جمهوری اسلامی است، که هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در باره آن گفت: «جنایتی کردند چند نفر چپ و توده‌ای و ناقدانی به داستان متروی تهران که آدم غصه‌اش میگیرد. مترو یک چیزی بود که در ایران و در شهری مثل تهران شکی نبود که لازم بود. با این وضع و این هوای آلوده و این تراکم‌ها و این تصادفها و این قطعات ماشین‌ها. اما اینها آمدند و شعار دادند که وابستگی وابستگی، و یکی از کارشناسان مترو میگفت من رفتم در یک جلسه که از مترو دفاع کنم، دیدم آنجا آنچنان این بچه‌ها محیط را خراب کرده‌اند که من گفتم برای تشییع جنازه مترو به آنجا آمده‌اند»[1].

و حاصلی که این «لغو قرارداد» و «تجدید قرارداد» مترو برای اقتصاد «امت اسلامی» در بر داشت، چنین است: در سال ۱۳۴۵ برای احداث متروی تهران با هفتاد کیلومتر شبکه، یک میلیارد و صد میلیون تومان پیش‌بینی شده بود. در سال ۱۳۶۳، بودجه‌ای معادل ۴۰ میلیارد تومان برای همین کار پیشنهاد شد، و آخرین اظهار نظر مسئولان دولتی ایران در این زمینه این بود که قائم مقام سازمان مترو، بودجه مورد نیاز مترو را بدون احتساب خرج‌های اضافی و حاشیه‌ای آن ۳۸۰ میلیارد تومان ذکر کرد. بدین ترتیب در فاصله سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵، بودجه مورد احتیاج برای ساختن متروی تهران به بیش از یکصد برابر افزایش یافته است.

آیت‌الله و اسرائیل: کارنامه هشت سال دروغ

در دیدار با مقامات عالیه مملکتی بمناسبت سالروز تولد پیامبر اسلام (۱۲ دیماه ۱۳۶۱)، آیت‌الله خمینی مدعی شد که در طول جنگ هشت

---

۱ ـ هاشمی رفسنجانی، در خطبه نماز جمعه، ۵ بهمن ۱۳۶۲.

مجله اینترنتی آرای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

ساله‌اش با عراق مطلقاً ارتباطی بـا اسـرائیل نداشـته اسـت و ایـن دشـمنان هستند که او را بدین ارتباط متهم میکنند: « بوق‌های استعماری ایران را که بیش از ۲۰ سال است مخالفت با اسرائیل در رأس مسائلش بوده است متـهم میکنند که از اسرائیل اسلحه میخرد».

در دیدار با سفرای ایران در اروپا و امریکا در جمـاران (۶ آبـان ۱۳۶۳) بار دیگر وی ادعا کرد که شیاطین میگویند ایران از اسرائیل اسلحه میخرد و امریکا هم در این امر دست دارد.

علیرغم این ادعاها، مدارک ارائـه شـده در نشـریات مختلـف و معتـبر جهانی، از همان آغاز با نقل دقیق جزئیات نشان دادند که آیت‌الله منظمـاً در این باره دروغ گفته است، یعنـی در همـه ایـن مـدت جمـهوری اسـلامی از اسرائیل اسلحه خریده و از آنها در جنگ با عراق استفاده کرده اسـت. حتـی پروژه یک خرید دو میلیارد و نیم دلاری اسلحه (کـه در آنزمـان بـزرگـترین خرید اسلحه قرن شناخته شد) بین مقامات ایرانـی و اسـرائیلی بـا وسـاطت رفعت اسد (برادر حافظ الاسد و رئیس سازمان ساواک سوریه) مطرح شد که پیشرفته‌ترین سلاح‌های جنگی امریکائی را شامل میشد.

ــ «از سال ۱۹۸۱ جریان حمل اسلحه به ایران بطور مداوم ادامه یافته است. معامله اسلحه بین ایران و اسرائیل از آغاز بوسیله «مردخای زیپـوری» معاون وقت وزارت دفاع اسرائیل و نمایندگان خمینی در ملاقاتی در پـاریس صورت گرفت. این ملاقات در آغاز سال ۱۹۸۰ انجام شد، درست اندکی پـس از دستگیری رئیس جامعه یهودیان ایران و اعدام او. زیپوری مـأمور شـد بـه ایران پیشنهاد کند که انواع متعددی از سـلاحها بـه قیمـت بـازار عـادی در اختیار ایران گـذارده شـود. بموجـب ایـن معاملـه ایـران موافقـت میکـرد از یهودیان ساکن ایران محافظت کنـد و اگـر کسـانی از یـهودیان خواسـتند از ایران مهاجرت کنند به آنها اجازه این کار داده شود. اسرائیل از ایـن معاملـه هم استفاده مادی کرد و هم استفاده سیاسی[۱].

«در تاریخ ۴ ژوئیه ۱۹۸۱، سـرهنگ اسـرائیلی Jacob Nimrodi وابسـته

---

۱ ـ Sunday Times، چاپ لندن، ۲۸ اکتبر ۱۹۸۴.

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

نظامی غیررسمی اسرائیل در ایران در سال ۱۹۵۷، با سرهنگ دهقان معاون وزارت دفاع ایران قراردادی به شماره ۱۷۳۱۶۴ مورخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۸۱ در باره پرداخت **۱۳۵ میلیون دلار بابت خرید محموله‌های خمپاره و موشک ساخت آمریکا امضاء کردند.** (متن قرارداد بصورت عکس‌برداری شده همراه این رپرتاژ بچاپ رسیده است). بموجب این قرارداد، ۵ واحد موشک زمین به زمین MGM-52، ۴۰ واحد ۱۵۵ میلیمتری نوع Tampella، ۳۷۳۰ خمپاره مافوق مدرن ۱۵۵ میلیمتری Herap و ۶۸ موشک زمین به هوای MIM ۲۳ Hawk از سلاحهائی که آمریکا در اختیار اسرائیل گذاشته بود **توسط اسرائیل به ایران فروخته شده است»**[۱].

«بین ایران و اسرائیل معامله اسلحه امضاء شده و اکنون برای اجرای این معامله **روزانه ۴۰ کامیون سلاحهای اسرائیلی را به ایران حمل میکنند.** این کامیون‌ها از مرز سوریه در نزدیکی قنیطره وارد سوریه میشوند و پس از آن از راه ترکیه به ایران میرسند. این قرارداد در ماه ژوئن بین سرهنگ یعقوب نمرودی از اسرائیل، رفعت اسد و معاون **وزارت دفاع ایران در یک هتل زوریخ امضاء شد** که بموجب آن وسائل مربوط به هواپیما و سایر وسائل نظامی به ایران توسط اسرائیل فروخته میشد»[۲].

«اسرائیل تاکنون معادل ۱۵۰۰ میلیون دلار اسلحه به ایران فروخته است و این خرید و فروش غالباً توسط اسلحه‌فروشان بین‌المللی در یونان، قبرس، سوئیس و هلند صورت گرفته است»[۳].

«اسرائیل کمکهای نظامی خود را به ایران افزایش داده است. هواپیماهای آواکس آمریکائی مستقر در ریاض هواپیماهای اسرائیلی را ردیابی کرده‌اند که با عبور از فراز لبنان و سوریه به جنوب ترکیه پرواز میکنند و بعد از آن رادار آواکسها را گم میکنند. اما رادارهای عراق نشان

---

۱ ـ Libération، چاپ پاریس، ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۳.

۲ ـ گزارش مشترک رادیو لوکزامبورگ RTL، ۲۴ ژوئیه ۱۹۸۴ و روزنامه اسرائیلی Maariv، ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۴.

۳ ـ از روزنامه آلمانی Frankfurter Allgemeine Zeitung، ۱۷ مارس ۱۹۸۴.

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

داده‌اند که هواپیماهای اسرائیلی از آنجا به ایران میروند. نتیجه‌گیری من اینست که این «پروازهای روزانه» قطعات یدکی و سایر وسائل نظامی حمل میکنند، زیرا میتوان مطمئن بود که اسرائیل به ایران گل صادر نمیکند.

براساس مدارکی که توسط کارشناسان ما دیده شده و مورد بررسی قرار گرفته است، قسمت اعظم خریدهای تسلیحاتی ایران از اسرائیل **توسط فرخ عزیزی بازرگان ایرانی مقیم آتن** صورت گرفته است. این مدارک نشان میدهد که عزیزی موشکهای TOW ساخت آمریکا را از اسرائیل در نوامبر ۱۹۸۲ خریده و توسط کشتی به آمستردام و از آنجا به تهران فرستاده است»[1].

«ژنرال آبراهام بارام دلال اصلی **معامله غیرقانونی ۲/۵ میلیارد دلاری اسلحه با ایران**، یکی از «قهرمانان» ارتش اسرائیل است که ۳۰ سال سابقه خدمت نظامی دارد و از سال ۱۹۵۱ در تمامی جنگهای اسرائیل شرکت کرده است.

ماجرای شگفت‌انگیز توطئه برای فروش غیرقانونی دو میلیارد و نیم دلار اسلحه به جمهوری اسلامی ایران ـ و منجمله تحویل هواپیماهای جنگی و موشکهای پیشرفته و تانک و غیره را شامل میشد ـ میتوانست بهترین افشاگر ماهیت فریبکارانه این جمهوری اسلامی از یکطرف، و بی‌پروائی سوداگران مرگ در کمک به ادامه این جنگ قرون وسطائی از طرف دیگر باشد...

شبکه‌ای که یک ژنرال بازنشسته اسرائیلی و یک وکیل دعاوی آمریکائی مقیم لندن از جمله هفده نفر اعضای آن هستند، در نظر داشت **بزرگترین معامله اسلحه قرن را به ارزش کلی دو و نیم میلیارد دلار با ایران انجام دهد**. از جمله این سلاحها ۱۸ هواپیمای اف ۴، ۱۳ هواپیمای اف ۵، ۵ هواپیمای باری سی ۱۳۰، بیش از ۲۰ هلیکوپتر و هزاران موشک بود. ژنرال اسرائیلی آبراهام بارام و وکیل آمریکایی او ساموئل اوانز نام دارند، و اوانز متهم است که از طریق اسرائیل با سه گروه فروش اسلحه آمریکائی همکاری داشته است.

یک قسمت از این معامله شامل فروش ۸۰۰ میلیون دلار موشک و هلیکوپتر و تانک و هواپیمای جنگنده بود که از طرف آمریکا به **ارتش**

---

۱ ـ هفته نامه آمریکائی Time، ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۳.

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

اسرائیل تحویل شده بود. از همه مهمتر اینکه عاملین اصلی قاچاق برای شناسائی اعضای گروه **از سازمان اطلاعاتی «موساد»** کمک گرفته‌اند. مقامات دولتی آمریکا با اتکاء بدین نکات، اظهار میدارند که بدون اطلاع دولت اسرائیل انجام یک چنین معامله‌ای غیرممکن بوده است، زیرا نمیتوان قبول کرد که مقادیر زیادی ساز و برگ ارتش اسرائیل از جمله تانک و هواپیمای جنگنده و موشک از زرادخانه اسرائیل به ایران بطور مستقیم و یا غیرمستقیم صادر شود بدون آنکه دولت اسرائیل اطلاع داشته باشد.

قرار معامله برای صدور ساز و برگ جنگی به جمهوری اسلامی بشرح زیر بوده است: ۴۶ فروند هواپیمای بمب‌افکن «اسکای‌هاوک»، ۳۰ دستگاه موشک «اسپاروپرستو» با سیستم هدایت کننده، ۲۰۰ موشک ا. آی. ام با دستگاه هدایت کننده، ۲۰۰ بمب توریک با دستگاه هدایت کننده، ۶۰۰ موشک چاپارل، ۱۵،۰۰۰ موشک ناو، ۱۲ هواپیمای جنگنده اف ۴ و اف ۵، ۵ هواپیمای حمل و نقل نظامی سی ۱۳۰ هرکولس. روزنامه واشینگتن پست فردای آنروز در گزارش مبسوطی نوشت که در جریان بازجوئی، ژنرال اسرائیلی علناً اقرار کرده است که سازمانهای دولتی اسرائیل از معاملات مورد بحث کاملاً اطلاع داشته‌اند. به گفته منابع آگاه بیشتر این معاملات بین فروشندگان و دلالها و جمهوری اسلامی در لندن انجام میگیرد»[1].

«رادیو اسرائیل اعلام کرد که بغیر از ژنرال آبراهام بارام، دو قاچاقچی اسلحه دیگر اسرائیلی، بنام زیورایس سرهنگ سابق ارتش اسرائیل و جیل سیلوا در توطئه فروش دو و نیم میلیارد دلار وسائل تسلیحاتی به جمهوری اسلامی ایران شرکت داشته‌اند. همین رادیو گفت که ژنرال مناخیم مرون مدیر کل پیشین وزارت دفاع اسرائیل طی نوشته‌ای در روزنامه «معاریو» چاپ تل‌آویو فاش ساخته است که قبلاً اسرائیل مقادیری قطعات یدکی و تجهیزات نظامی به ایران فروخته و در همان هنگام این موضوع را به آمریکا نیز اطلاع داده است. وی گفت که **بعضی از انواع تجهیزات ساخت خود اسرائیل نیز بطور غیرمستقیم به ایران صادر شده‌اند».**

---

۱ ـ Washington Post، ۲۶ آوریل ۱۹۸۶.

مجله اینترنتی آرای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

ـ «انگیزه تشکیل مؤسسه هواپیماسازی طیراً ابابیل برمیگردد به جـو خاصی که در مملکت ما بعد از انقلاب بوجود آمد، و نیازهائی که ما داشـتیم. از جمله نیاز به هواپیما که قبل از جنـگ بـا عـراق بـه آن صـورت احسـاس نمیشد. ما راه حل این مشکل بزرگ را از طریق رهنمودهای اسلامی انقلابـی انتخاب کردیم. بخصـوص حضـرت آیـت‌الله منتظـری در ایـن مـورد بـه مـا راهنمائیهای گرانبهایی فرمودند... اکنون چند طرح را در دست مطالعه و اجرا داریم، از جمله هواپیمای «کبوتر سفید» که انشاءالله در آینده نزدیک پـرواز آزمایشی این کبوتر را خواهیم دید. البته ما اینکار را بـا اتکـاء بـه امدادهـای الهی انجام میدهیم، و امیدواریم این پرنده آهنین‌بال بتوانـد در زمـان صلـح خادم ایرانیان و تمام مسلمین جهان باشـد و در زمـان جنـگ نـیز همچـون ابابیل سپاهیان کفر را به خاک سیاه نشاند. از امت شهیدپرور دعوت میکنیـم با حمایت و شرکت مؤثر خود مؤسسه طیراً ابابیل را یاری دهند تـا انشـاءالله بتوانیم بیاری یکدیگر علم را از دست ابرجنایتکاران ابزار استعماری درآوریـم و هرچه زودتر آنرا ابزار فلاح سازیم».[1]

ـ «سپاه پاسداران تاکنون موفق شده است نارنجک، خمپاره، آر- پی- جی بسازد، و مدت یکسال است که ساخت سلاحهای پیچیـده را نـیز آغـاز کرده و تاکنون یک نوع سلاح پیچیده ضد تانک نیز ساخته است که در دنیـا نظیر ندارد».[2]

ـ «ما ابتکارهائی در زمینه رادار و سیستم دفاعی هاوک کرده‌ایـم کـه اگر آمریکائیها بفهمند از غصه دق میکنند».[3]

ـ «کوره بلند ذوب آهن اصفهان، و آن کارخانـه عظیـم و غـول‌پیکـر

---

۱ ـ غلامرضا ذوالفقاری، از هیئت رئیسه مؤسسه بررسیهای هواپیماسازی طیراً ابـابیل، در مصاحبه با مجله سروش، نشریه وزارت ارشاد اسلامی، تابستان ۱۳۶۳.

۲ ـ محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران، نقل از هفته‌نامه ایران تایمز، ۱۳ مهر ۱۳۶۳.

۳ ـ هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در خطبه نمـاز جمعـه تـهران، ۳۰ مهر ۱۳۶۱.

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

ذوب فلزات اهواز، و کارخانه عظیم مس سرچشمه، و نیروگاههای بزرگ تولید انرژی الکتریسیته، همه اینها دستاوردهای تکامل علمی و فنی انقلاب ما هستند»[1].

ـ «متفکران و آزادیخواهان جهان بطور دسته‌جمع به ما میگویند: شما ابرقدرت معنوی دنیا هستید»[2].

ـ «سپاه پاسداران اینک تأثیر تعیین کننده‌ای بر تمام معادلات و محاسبات سیاسی دنیا دارد، و اگر روزی این سپاه در جامعه نباشد ناگهان هیبت انقلاب اسلامی افت خواهد کرد، و معاملات سیاسی دنیا نیز بهم خواهد خورد»[3].

«اندیشمندان سیاسی آمریکا در دوره دوم ریاست جمهوری ریگان ۱,۳۰۰ پیشنهاد برای توطئه علیه ایران و چند کشور انقلابی دیگر بعنوان ارمغان به جناب ریگان تسلیم کرده‌اند»[4].

ـ «برای اولین بار دانشکده خلبانی بصورتیکه پاسخگوی نیازهای عقیدتی پرسنل باشد در جمهوری اسلامی تکمیل خواهد شد تا بتوانیم جهت زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی عجل‌الله تعالی اقدام کنیم»[5].

ـ «نیل آرمسترانگ (فضانورد آمریکائی که نخستین انسانی بود که قدم به کرهٔ ماه نهاد) در سفر خود به قاهره که به دعوت دولت مصر بمنظور ایراد چند کنفرانس علمی در باره این سفر صورت گرفته بود، یکروز ظهر که باتفاق راهنمای خود از خیابانهای شهر میگذشت، ناگهان با شنیدن صدای اذان که از منارهٔ مسجدی برمیخاست بر جای ایستاد و متعجبانه پرسید: این صدا چیست؟ راهنما جواب داد: این اذانی است که مسلمانان روزی پنج بار

---

۱ ـ همانجا.

۲ ـ علی خامنه‌ای رئیس جمهوری در خطبه نماز جمعه تهران، ۱۷ مهر ۱۳۶۳.

۳ ـ علی خامنه‌ای رئیس جمهور در دیدار با رؤسا و حکام شرع سپاه پاسداران، ۱۳ اسفند ۱۳۶۲.

۴ ـ علی خامنه‌ای رئیس جمهوری، در سالروز وفات حضرت امام رضا، ۱۰ آذر ۱۳۶۳.

۵ ـ معین پور فرمانده نیروی هوائی جمهوری اسلامی، در مراسم ادای سوگند دانشجویان نیرو، ۲۴ فروردین ۱۳۶۲.

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

اقامه میکنند. آنوقت آرمسترانگ گفت: «عجیب است. این همان صدائی است که من بمحض فرود آمدن در ماه شنیدم، و از آنوقت تاکنون همیشه از خودم میپرسیدم که این چه صدائی بود؟». و بعد از همان سفر بود که آرمسترانگ اسلام آورد».[1]

ـ «انور خوجه، رئیس جمهور کمونیست آلبانی، در روزنای واپسین زندگی خود گرایش خاصی به اسلام و به آیت‌الله خمینی پیدا کرده و از اسارت افکاری که توسط لنین و استالین بوی تزریق شده بود بیرون آمده بود. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران توانست بسیاری از تئوریهای مورد باور انور خوجه رهبر سابق حزب کمونیست آلبانی را دستخوش تردید کند. وی در سالهای آخر عمر خود بارها به امام خمینی اظهار علاقه و ارادت کرده بود، و سایر دولتمردان آلبانی نیز مانند انور خوجه تحت تأثیر انقلاب اسلامی قرار گرفته بودند».[2]

---

۱ ـ نقل از مجله «عروة الوثقی»، نشریه وزارت ارشاد جمهوری اسلامی، تابستان ۱۳۶۲.
۲ ـ نقل از روزنامه «جمهوری اسلامی»، ارگان حزب جمهوری اسلامی، ۸ خرداد ۱۳۶۴.

مجله اینترنتی آرای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

از جمله مطالبی که بنیانگذار رژیم ولایت فقیه در فرصت‌های مختلف بدانها اشاره کرده است روایاتی از این قبیلند که:

ـ «در آخر عمر مبارکشان، رسول اکرم یک تکه نان جو را که از بس خشک بود نمیتوانستند آنرا با دستشان بشکنند با زانو میشکستند و با آب تناول میکردند»[1].

ـ «خوراک حضرت امیرالمؤمنین نان جو بود که ایشان سر ظرف روغن را مهر میکردند مبادا دختر یا پسرشان با روغن آنرا نرم کنند»[2].

ـ «آن شبی که حضرت علی ضربت خورد، مهمان دخترش ام‌کلثوم بود. وقتی برایش افطار آوردند می‌بیند که هم نمک آورد و هم شیر. حضرت گفت: چه وقت دیده‌ای که من دو نوع خورش داشته باشم؟ یکی را بردار. ام‌کلثوم خواست نمک را بردارد. ایشان فرمودند: شیر را بردار»[3].

ـ «حضرت علی با آن خلافت دامنه دارش پوست گوسفندی داشتند که شبها خودش و عیالش روی آن میخوابیدند و روز هم روی آن برای شترشان علف میریختند»[4].

ـ «حضرت امیرالمؤمنین گاهی که برای خطبه جمعه میآمدند و بر منبر میرفتند، دامنشان را حرکت میدادند، برای اینکه پیراهنشان را شسته بودند و پیراهنی هم غیر از آن نداشتند.»[5]

ـ «وقتیکه عمر میخواست به مصر برود خودش و غلامش فقط یک شتر داشتند. یک نفرشان می‌نشست و دیگری افسار شتر را میگرفت. وقتیکه خسته میشد آن دیگری افسار را میگرفت و این یکی سوار میشد. زمانیکه به مصر رسیدند نوبت سواری غلام بود، و آقای خلیفه افسار شتر را گرفته بود.

---

۱ ـ در ارتباط با جشنهای دو هزار و پانصدمین سال کورش بزرگ، نجف، اول تیر ۱۳۵۰

۲ ـ در دیدار با گروهی از ایرانیان در نوفل لوشاتو، ۱۴ آبان ۱۳۵۷

۳ ـ نوفل لوشاتو، ۸ آذر ۱۳۵۷

۴ ـ نوفل لوشاتو، ۸ آبان ۱۳۵۷

۵ ـ در جمع خانواده‌های شهدای جنگ ایران و عراق در خرم‌آباد و دزفول، جماران، ۷ دی ۱۳۵۹

مجله اینترنتی آرای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

البته ما عمر را قبول نداریم اما این عمل او عملی اسلامی بود»[1].

* * *

چند توضیح:

ادعای اینکه «در آخر عمر مبارکشان، حضرت رسول اکرم یک تکه نان جو را که از بس خشک بود نمیتوانستند آنرا با دستشان بشکنند با زانو میشکستند و آنرا با آب تناول میکردند بهمان اندازه که عوام‌فریبانه است، غیرمنطقی نیز هست، زیرا دستوری که در این مورد از جانب خود پیامبر در قرآن ابلاغ شده است این است که «بخورید و بیاشامید ولی در اینکار افراط نکنید، زیرا خداوند اسراف را روا نمیدارد» (اعراف، ۳۱)، و هیچ دلیلی وجود ندارد که شخص پیامبر خوردن نان جوینی را با آنهمه دشواری بیجهت به خودش تحمیل کرده باشد.

همین تذکر را در مورد چند اظهار نظر دیگری که در نوفل لوشاتو و در جمع خانواده‌های شهدای جنگ ایران و عراق از طرف خمینی بعمل آمده است میتوان داد، که همه آنها آشکارا جعلیاتی هستند که از جانب حدیث‌پردازان جهان تشیع تنها برای جلب توجه مؤمنین در بالای منبرهای روضه‌خوانی ساخته و پرداخته شده‌اند.

ادعای مربوط به رفتن خلیفه دوم عمربن‌الخطاب و غلامش از مدینه به مصر تنها با یک شتر که نیمی از راه را خلیفه بر آن سوار شود و نیم دیگر را غلام او، بنوبه خود یک شاهکار سخافت و حماقت است، زیرا طی این فاصله با شتر مستلزم سه هفته صرف وقت است، و مضحک است اگر ادعا شود که خلیفه اسلام با آنهمه وظائفی که بر عهده دارد چنین مدتی را در بیابان با یک شتر بگذراند، فقط بخاطر اینکه از بردن شتر دوم ـ معلوم نیست بچه دلیل ـ خودداری کرده باشد. با همه اینها، این کار او بقدری مورد پسند آیت‌الله ما قرار گرفته که تمامی گناهان دیگر عمر را بهمین خاطر نادیده گرفته و نوشته است که «البته ما عمر را قبول نداریم اما این عمل او عملی اسلامی بوده است».

---

۱ ـ نوفل لوشاتو، ۱۴ آبان ۱۳۵۷

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

اسلام، دین «مساوات»

تاکنون بطور سنتی گفته شده است، و گفته میشود که اسلام دین مساوات است و از تبعیض‌های ادیان دیگر اثری در آن نیست. ظاهراً این ادعا در نزد بزرگان جهان تشیع ادعای مورد پسندی نیست، زیرا دیروز از زبان شیخ فضل‌الله نوری، مراد و مرشد فکری آیت‌الله خمینی شنیده شد که:

ـ «کلمهٔ قبیحه حریت و مساوات (آزادی و برابری) اصل موذی خراب کننده قوانین الهی است، زیرا بنای قرآن بر آزاد نبودن قلم و لسان است و یکی از مواد ضلالت این است که گفته شود افراد مسلمان متساوی الحقوقند. تلفیق اسلام و مساوات از محالات است، چرا که بنای اسلام بر تفریق و تفاوت است، مانند تفاوت حقوق میان زن و مرد و میان مسلم و غیرمسلم».

و امروز از زبان آیت‌الله مصباح یزدی مراد و مرشد فکری رئیس جمهوری احمدی نژاد شنیده میشود که:

ـ «در اسلام نه مساوات بین افراد وجود دارد نه احترام به آزادی مردم. آیا اسلام از آن جهت محترم است که به مردم احترام گذاشته است؟ خوب، در کشورهای کفار هم به آزادی مردم احترام میگذارند. کسانی که انقلاب اسلامی را به منظور تحقق خواسته‌های مردم میدانند دشمن اسلام هستند. انقلاب اسلامی برای چه بود؟ آیا صدها هزار شهید برای این داده شد که مردم بیایند و خواستهای خودشان را مطرح کنند؟ شعار میدهند «ایران مال همه ایرانیان»، یعنی یک بهائی با یک مرجع تقلید مساوی است؟ یعنی اینکه شهروند درجه یک و درجه دو نداریم؟ یعنی اینکه چون همه انسانها یکسانند مثلاً یک بهائی هم میتواند رئیس جمهور بشود چون انسان است و ایرانی است؟ اینها شد حقوق بشر؟ انقلاب کردیم برای همین؟ وقتیکه ما سیاست تساهل و تسامح را رواج دادیم و هرگونه خشونت و سختگیری را ممنوع کردیم دیگر چه عاملی برای اجرای احکام

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

اسلام میماند؟ اینهائی که صحبت از مساوات میکنند امید بسته‌اند به اینکه فاتحه انقلاب اسلامی را بخوانند». (مصباح یزدی در خطبهٔ نماز جمعه تهران)

بهتر است صدها میلیون مسلمان دیگری که همچنان به اصل مساوات اسلامی باور دارند متوجه باشند که یا باید در اعتقاد خود تجدید نظر کنند، یا در اصالت آنچه امروز به نام اسلام در جهان تشیع میگذرد.

... و اسلام، دین عدالت

اسداله لاجوردی دادستان انقلاب در مصاحبه با روزنامهٔ کیهان (۷ مهر ۱۳۶۰): از نظر اسلام یک دختر ۹ ساله بالغ است و اسلام به ما اجازه میدهد که او را پای دیوار بگذاریم و گلوله بزنیم.

آذری قمی دادستان کل انقلاب در مصاحبه با روزنامه اطلاعات (۱۹ شهریور ۱۳۵۸): قتل از طریق سنگسار در اسلام منشاء نزول برکات الهی است. حتی در حدیث آمده است که فایده این کار بیشتر از این است که چهل روز باران بیاید.

آیت‌الله مصباح یزدی مقام ارشد مجلس خبرگان در خطبه نماز جمعه تهران (۲۶ شهریور ۱۳۷۸): «در قرآن تصریح شده است که با محاربین خدا و مفسدین فی‌الارض باید با شمشیر و کلت و اسلحه کمری روبرو شد، یا گردنشان را زد یا دست و پایشان را برید یا از بالای کوتاهی پرتابشان کرد. همه این‌ها فرمان قرآن است و عمل به آنها وظیفه شرعی است».

آیت‌الله محمدی گیلانی حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب اسلامی در سخنرانی رادیو تلویزیونی (۲۶ آذر ۱۳۵۹): «باید از شنوندگان معذرت بخواهیم که دادگاه‌های انقلاب اسلامی بدان اندازه که لازم بوده است اعدام نکرده‌اند و صحیح هم هست که در این باره کوتاهی کرده‌اند».

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در حوزهٔ علمیه قم (۲۸ مهر ۱۳۶۳): «به

مجله اینترنتی آرای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

این آسانی که در دادگاههای انقلاب آدم میکشند گوسفند هم سر نمیبرند».

در ماه مارس ۱۹۸۲، تلویزیون فرانسه فیلم مستندی را از جنگهای خیابانی در شهر آمل مازندران نشان داد. قاضی شرع رأی داد که مجازات مظنونین بدین بلوا را به خود مردم واگذار میکند. در یکطرف میدان شهر بیش از ده نفر متهم را گرد آورده بودند و در طرف دیگر گروهی از حقوق‌بگیران حزب جمهوری اسلامی را. در پاسخ تنها سئوال قاضی شرع که آیا متهمین مقصرند یا نه؟ آنها گفتند بلی. و بلافاصله مسلسل‌ها بکار افتاد. موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور در دیدار با دادستانهای شهرستانها در این باره گفت: وقتیکه اینها را دستگیر کردید دیگر نباید معطل این بشوید که چندین ماه بخورند و بخوابند و از بیت‌المال مصرف کنند. اینها محاکمه‌شان همان توی خیابان است، و بدون معطلی. همین که دو نفر پاسدار شهادت بدهند که آنها درگیر بوده‌اند کافی است و همانوقت باید اعدام شوند. من به شما دادستانهای شهرستانها هم اعلام میکنم که حتماً باید اینطور باشد. اگر نباشد خودتان مجازات خواهید شد (نقل از کیهان، ۲۹ شهریور ۱۳۶۰).

ـ «ما در اینجا کسانی را در زندان داریم که شش هفت ماه حتی یکسال است در زندان بسر میبرند و هنوز اسم خودشان را به ما نمیگویند. میگوئید چهار ضربه شلاق هم به ایشان نزنند؟ حتی اگر اینها زیر شلاق جان هم بدهند کسی ضامن مردنشان نیست. این عین فتوایی است که حضرت امام داده‌اند. اگر فرض کنیم پانصد نفر اینها بدون محاکمه در زندان بمانند کجای دنیا خراب میشود؟ این نقصانی در حکومت اسلام نیست» (موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور در مصاحبه رادیو تلویزیونی، ۲۰ آبان ۱۳۶۴)

ـ گزارش محرمانه از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، رکن ۱، شماره ۲۶۳۴۵۰-۱۰-۱۱۱ مورخ ۶۳/۷/۱، به امضای سرهنگ صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی، برای تیمسار ریاست ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی و وزارت دفاع:

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

۱۶۸ نفر از پرسنل وظیفه ارتش جمهوری اسلامی به عنوان محارب با خدا و رسول صلی‌الله علیه وآله و دشمنی با امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه و نایب برحقش حضرت آیت‌الله امام خمینی مدظله العالی، خائن به امت شهیدپرور و همیشه در صحنه و خائن به رزمندگان کفرستیز اسلام شناخته شده و محکوم به اعدام شدند و در روزهای ۱۷ و ۱۸ و ۶۳/۶/۱۹ به کیفر اعمال ناشایست خود رسیدند».

در نامه محرمانه شماره ر- ص-۱۲۴ مورخ ۱۳۶۳/۲/۱۰ سرهنگ صمیمی رئیس شهربانی کل کشور به «حضرت حجت‌الاسلام جناب آقای ناطق نوری وزیر محترم کشور» و «حضرت آیت‌الله صانعی دادستان محترم کل کشور»:

در مدت تصدی این جانب به بیش از ده هزار پرونده در رابطه با سرقت، مواد مخدر، و سایر جرائم که به امنیت عمومی ارتباط داشته رسیدگی شده و به مراجع ذیصلاح ارجاع گردید. لکن تعداد ۹۷۵ پرونده که متهمین آن اقرار به همکاری و دخالت مستقیم بعضی از اعضاء کمیته‌های انقلاب و سپاه پاسداران نموده به علت عدم دسترسی به آنها که از نقص پرونده ناشی میشود راکد مانده است، چون این پرونده‌ها شامل اموری از قبیل سرقت از بانکها، سرقت منازل و قتل در رابطه با سرقت و حمل و توزیع مواد مخدر است کراراً طی نامه‌های متعدد چه از طریق شعبات آگاهی و چه از طریق دادیاران مقیم آگاهی از فرماندهی سپاه پاسداران و ریاست کمیته‌های انقلاب خواسته شده که این اشخاص حداقل بعنوان مطلع و یا اینکه رفع تهمت از خود نمایند معرفی شوند. متأسفانه تمامی نامه‌ها بدون جواب مانده و چندین بار هم که اشخاص مذکور بوسیله متهمین شناسانده شده‌اند و با حکم دادستانی اقدام برای جلب آنها گردیده جز هتاکی و اهانت و در بعضی موارد ضرب و جرح مأمورین نتیجه‌ای نداشته است.

در دنباله نامه فهرست اسامی ۳۷ نفر پاسداران انقلاب و کمیته‌های انقلاب که براساس محتویات پرونده‌های موجود مجرم شناخته شده‌اند ضمیمه شده است».

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

در جلسه مجلس شورای اسلامی، صادق خلخالی نماینده قم اظهار داشت: «اینکه گفته شد چرا حقیر یکنفر قاچاقچی معروف به نام زنگنه را در گچساران محاکمه و محکوم به اعدام کردم، ولی بعد قبول کردم در صورتیکه یک میلیون تومان جریمه بپردازد از اعدامش صرفنظر شود، و بعد از اینکه این پول را پرداخت او را عدام کردیم، علت این بود که بعداً حقیر ملاحظه کردم که تخفیف خطا بوده. بدین جهت حکم اول را بدون تخفیف در مورد او که از پاچه پاره‌های درجه یک بود اجرا کردیم. این مطلب مطابق با شرع و جزو مسلمات مذهب شیعه است، که اگر حاکم شرع حکمی بکند و سپس خطای او ثابت شود آن حکم را باطل کرده و به حکم دیگر مطابق علم خود عمل میکند». البته آقای حاکم سابق شرع توضیح نداد که اگر اتفاقاً جریان بعکس باشد، یعنی اول قاضی حکم اعدام صادر کند و حکم اجرا شود، و بعداً مدارکی بدست بیاید که بطلان حکم آشکار شود، در آنصورت حکم قبلی چطور نقض خواهد شد؟»

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

بت تراشی در هزاره سوم

در بیانیه مشترکی که روز پانزدهم خرداد ۱۳۶۸ با امضای رئیس جمهوری و رئیس مجلس شورای اسلامی و نخست وزیر و رئیس دیوان عالی کشور بمناسبت درگذشت خمینی انتشار یافت، مقام رهبر کبیر انقلاب مستقیماً با مقام پیامبر اسلام برابر نهاده شد: «اینک امام عزیز ما به رحمت الهی پیوسته است، همچنانکه محمد رسول خدا نیز به رحمت الهی پیوست».

در بیانیه دیگری که در همین روز و به همین مناسبت از جانب هیئت وزیران منتشر شد، ادعا شد که اصولاً سیر طبیعی کائنات بخاطر مرگ امام خمینی متوقف شده است: «... اکنون زمان متوقف شده است تا جهان در پیش پای او به احترام بایستد و آسمان بر خود ببالد که چنین مهمانی به خانه او آمده است».

در تفسیری که به همین مناسبت در روزنامه دولتی اطلاعات منتشر شد، از این هر دو مورد پا فراتر گذاشته شد و این بار در یکی از زشت‌ترین کفرگوئی‌های همه تاریخ اسلام، مقام خمینی با مقام خود خداوند برابر نهاده شد: «اکنون در آسمان فرشتگان خدا راه ترا با اشک میشویند، و در زمین ستاره و درخت سجده‌ات میکنند». این جمله «النجم و الشجر یسجدان» جمله‌ای است که در آیه ششم از سوره الرحمن صرفاً در توصیف خود خداوند آمده است.

در تفسیر دیگری که در همین زمینه در روزنامه دولتی کیهان تهران بچاپ رسید، آیه دیگری از قرآن که در توصیف روز قیامت آمده، با ماجرای مرگ خمینی انطباق داده شد: «با مرگ تو بهشت زهرا همچون مدینة الرسول بیت الاحزان شد، والشمس کوّرت والنجوم انکدرت» (خورشید بیفروغ شد و ستارگان به تیرگی گراییدند، آیه‌های ۱ و ۲ از سوره تکویر).

در مراسم چهلمین روز وفات خمینی، علی خامنه‌ای رئیس جمهوری وقت و رهبر معظم بعدی کشور در خطابه‌ای مفصل گفت: «اکنون چهل روز

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

است امام ما، روح خدا، بزم ملکوتیان را به حضور خود آراسته است. اگر بخواهیم به مقام واقعی او پی ببریم باید امام خودمان را در لابلای آیه‌های قرآن جستجو کنیم. پیش از ظهور او ما قرآن را داشتیم و نهج‌البلاغه را هم داشتیم، ولی بدون او هیچکدام از اینها را نمیشناختیم. او آن روح‌الله بود که با عصای موسوی و ید و بیضای مصطفوی به انسانها کرامت و به مؤمنان عزت بخشید. او بود که بت‌ها را شکست و باورهای شرک‌آلود را زدود و به همه فهماند که علی‌وار شدن و انسان کامل بودن و تا مرزهای عصمت پیش رفتن رؤیا نیست. صاحبان بصیرت لمعات قرب حق را در چهره نورانی او دیدند. بذری که او پاشید همان کلمه طیبه‌ای بود که خداوند در قرآن کریم از آن یاد کرده است. مرقد مطهر او، حرم شریف او، بقعه مقدس او، صحن و سرای ملکوتی او، از این پس منبع نور و وحی برای همه مسلمانان جهان خواهد بود».

در همان روز در سرمقاله کیهان تهران به همین مناسبت خطاب به خمینی نوشته شد: «امشب همه پیامبران و همه ائمه و اولیاء میآیند تا در حریم حرمت تو ناله و نجوا کنند. میآیند تا غبار مرقد مطهر ترا توتیای چشم خود کنند و فریاد برآورند که: تو بودی که قرآن را از غربت رهانیدی، تو بودی که حج را تعلیم دادی و برائت از مشرکین را آموختی. امشب همه میآیند تا بر گرد مزار مقدست حلقه زنند و در حریم حرمت تو دوباره با تو بیعت کنند».

در جای دیگر همین مقاله، خمینی مسیح ثانی شناخته شد: «مردم نفهمیدند که تو روح خدا بودی که بر روی زمین متنزل شدی تا آدمیان بتوانند ترا ببینند. کرامت تو این بود که خودت را از اوج کمال تا مرتبه‌ای فرود آوردی که ناقصان نیز بتوانند با تو بنشینند و بگویند و بشنوند. تو تجلی مطلق حضرت احدیت در روی زمین بودی، قرآنی بودی که بصورت انسان متنزل شده بود. در قرآن آمده بود که یسئلونک علی‌الروح، قل‌الروح من امر ربی (از تو در باره روح پرسند، بگو که روح از جانب خداوند من است. سوره اسراء، ۸۵) و تو همان روح خدا بودی که با آمدنت این حقیقت معنی پیدا کرد».

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

مقاله چنین پایان یافته است: «اگر امسال به مکه فرد آیی حج شکوه خواهد یافت، و اگر از نیمه راه برگردی زمین مکه شهادت خواهد داد که حج امسال حج نبود، زیرا کعبه از جای خود مهاجرت کرده بود».

در نشریه بین‌المللی روزنامه اطلاعات که از جانب حکومت اسلامی در خارج از کشور بچاپ میرسد، در همین زمینه ضمن اعلام اینکه طرح فروپاشی امپراتوری شوروی را برژینسکی از پیام امام خمینی به گورباچف وام گرفت و پاپ ژان پل دوم به پیروی از خط امام سیاست را به دنیای مسیحیت آورد، این نیز اعلام شد که «امام خمینی انقلابی را بر پا داشت که به فرموده حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بجز بعثت موسی کلیم‌الله در ۲۵۰۰ سال پیش و بعثت عیسی روح‌الله در دو هزار سال پیش و انفجار نور محمدی در ۱۴۰۰ سال پیش هیچیک از حوادث دیگر جهان با آن قابل مقایسه نیستند.» (اطلاعات بین‌المللی، لندن، ۲۲ بهمن ۱۳۷۸)

این واقعه ناشناخته نیز به همین مناسبت در کیهان تهران (۲۱ تیر ۱۳۶۸) فاش شد که به هنگام درگذشت امام خمینی ناگهان خورشید صورتش را در هاله تیره‌ای از خاک و طوفان پوشانید و همه جا تیره و تار شد. ابرها زار زار گریستند و خورشید در شفق خون نشست (و شاید نیازی بدین تذکر نباشد که مرگ این امام اندکی پس از نیمه‌شب اتفاق افتاد که نه خورشیدی در آسمان تهران بود که صورتش در هاله‌ای از خاک و طوفان پوشیده شود یا در شفق خون بنشیند، و نه ابری در آسمان تابستانی تهران بود که زار زار به گریه درآید).

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

کارنامهٔ یک فاجعه

استقرار رژیم «ولایت مطلقه فقیه» در ایران موجی از دگرگونی ساختار اجتماعی کشور و بازگشت شتابزده به تاریک‌نگری و واپسگرایی دوران پیش از انقلاب مشروطیت را به دنبال آورد که تنها ارائه فهرستی کلی براساس گفته‌ها و نوشته‌های مسئولان این فاجعه میتواند ژرفای آنرا نشان دهد. بهتر است این فهرست را با فشرده‌ای از گزارش مبسوط جامعه معلمان ایران در نخستین سال فاجعه آغاز کنیم:

ـ «تاکنون بیش از ۱۰۰,۰۰۰ نفر از معلمان اخراج شده‌اند، و گروه کثیری از بقیه به کارهای روزمره اداری گماشته شده‌اند ـ ۶۰۰ تن از آنها اعدام شده‌اند، ۲,۰۰۰ نفر در زندان بسر میبرند و ۱۰,۰۰۰ معلم دبیرستان و دانشگاه نیز به کشورهای بیگانه گریخته‌اند. بالغ بر ۱۰,۰۰۰ دانشجو و دانش‌آموز اعدام شده‌اند و در حدود ۱۰,۰۰۰ دیگر زندانی هستند»[۱].

ـ «تمام مغزهای کشور در حال فرارند. از زمان انقلاب به تنهائی ۱۷,۰۰۰ پزشک و مهندس از ایران به کانادا گریخته‌اند»[۲].

ـ «آماری که یک خبرنگار آلمانی در جریان سفر گنشر وزیر امور خارجه آلمان فدرال به تهران در مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی تهیه کرده حاکی است که از سال ۱۹۷۹ تاکنون تعداد افراد تحصیل کرده و کارشناسان ایرانی که به خارج فرار کرده‌اند از مرز ۱,۵ میلیون نفر گذشته است»[۳].

ـ «در رژیم گذشته ما سالی ۸۰۰ فارغ‌التحصیل پزشکی داشتیم. امروز ثلث آنها را هم نداریم و گرفتاریمان در این مورد خیلی زیاد است»[۴].

---

۱ ـ از گزارش جامعه معلمان ایران، ۸ آذر ۱۳۵۸

۲ ـ صادق قطب‌زاده وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، در مصاحبه با روزنامه‌نگاران کانادائی، ۲۸ اوت ۱۹۸۰

۳ ـ نقل از هفته نامه کیهان، ۱۸ امرداد ۱۳۶۳

۴ ـ دکتر میثاقی وزیر بهداری جمهوری اسلامی، در مجلس شورای اسلامی، ۲۳ امرداد ۱۳۶۳

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

ـ «در سال ۱۳۶۰ که مسئولیت وزارتخانه آموزش بعهده بنده گذاشته شد، یکسال بود همه دانشگاهها تعطیل بود، و به میزان قابل ملاحظه‌ای امکانات آموزش را از دست داده بودیم. ـ ۴,۰۰۰ استاد یا اخراج شده بودند یا به خارج رفته بودند. بسیاری از ساختمانهای دانشگاهها در اختیار جاهای دیگر بود و از نظر مدیریت هم بهیچوجه از قدرت کافی برخوردار نبودیم»[۱].

ـ «در چنین جامعه‌ای که تمام ساخته‌های مدیریت جامعه شعبه‌های امامت هستند، تخصص بهای درجه دو را دارد. بهای درجه یک و بخش اصلی را میدهیم به مکتب. در جامعه‌هائی که مکتب الهی شکل و جهت آن جامعه را تعیین میکند در انتخاب افراد برای مشاغل و کارها سئوال اول از پای‌بندی این افراد برای مشاغل و کارها میشود و سئوال دوم از تخصص»[۲].

ـ «من به عنوان یک فرد و شهروند جمهوری اسلامی عقیده دارم که دانشگاه محل یک متخصص نیست، محل یک فرد مکتبی است که در ضمن تخصص را هم در آنجا فرا میگیرد. آن چیزی که در جامعه مخصوصاً رسانه‌ها باید مواظب آن باشند این است که ما مسئله مکتبی بودن دانشگاهها را نمیتوانیم فدای هیچ چیز دیگری بکنیم. ما نمیتوانیم ارزشهای غربی را بخاطر اینکه نیروهای متخصص کم داریم یا اصلاً نداریم در دانشگاه‌ها احیاء بکنیم. الان برای برنامه پنجم حدود ۲۶۰,۰۰۰ نفر نیروی انسانی کم داریم. برای دولت بطور طبیعی این سئوال مطرح است که چکار کنیم این نیروی انسانی را از دانشگاه بگیریم. ولی از آن دانشگاهی که در خط مکتب باشد»[۳].

ـ «خلبانان و همکاران آنها در هواپیما، در هر مسافرت به خارج از کشور با فرهنگ‌های مختلف برخورد میکنند، و باید بدانند که خطر فرهنگ بدتری آنها را تهدید میکند. شما برادران، باید در برابر فشار فرهنگهای دیگر

---

۱ ـ نجفی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی جمهوری اسلامی، در مجلس شورای اسلامی، ۲۳ امرداد ۱۳۶۳

۲ ـ دکتر محمد بهشتی رئیس دیوان عالی کشور، سخنرانی در حسینیه احمدیه، ۳۰ آبان ۱۳۵۹

۳ ـ میرحسین موسوی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی، در مصاحبه با روزنامه کیهان، چاپ تهران، ۲۶ شهریور ۱۳۶۳

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

از ارزشهای انقلاب اسلامی خود بعنوان حربه‌ای مدد بگیرید. چگونگی این برخورد از دانستن فنون پیچیده پرواز مهمتر است»[1].

ـ «مایه تأسف است که نظام کنونی آموزشی ما قادر نیست «خلیفة الله» بپروراند. از این ببعد باید کتابهای درسی ما طوری نوشته شود که نتیجه‌اش پرورش همین «خلیفة الله»ها باشد»[2].

تصور نکنید جمهوری اسلامی، در راه پرورش خلیفة الله بجای متخصصان فنی، به بستن دانشگاهها و سوزاندن کتابها و سرکوبی استادان و دانشجویان «غرب زده» اکتفا میکند، زیرا این جمهوری که در آن به فتوای رهبر کبیر انقلاب «باید علم از قم به تمام جهان صادر شود»، برنامه‌های سازنده‌ای نیز بجای آنچه خراب میکند دارد، که یکی از مهمترین آنها چنین است:

«بعد از تشکیل کمیته مسئول فهرست کردن و فیش‌نویسی مجلدات ۱۲۸گانه افاضات ملا محمد باقر مجلسی، با عنوان «کمیته تدوین فهرست بحارالانوار» اخیراً شورای تازه‌ای تحت سرپرستی آیت‌الله منتظری در قم تشکیل شده است، که نامش «شورای معجم الفاظ احادیث شیعه» است و آیت‌الله آذری قمی رئیس جامعه مدرسان حوزه علمیه قم مسئولیت آنرا به عهده دارد. اعضای این شورا ضمن ملاقات با آیت‌الله منتظری در زمینه کارهای وسیع تحقیقاتی خود روی احادیث و روایات گزارشی به وی دادند و او هم دستورهای اکیدی در باره ضرورت تدوین یک معجم عینی و مختصر از روایات و احادیث صادر کرد. غرض از انتشار این معجم که به قولی «دائرة المعارف» فیضیه‌نشینان خواهد بود، این است که در آینده کسانی که قصد تتبع در احادیث معتبره را دارند دچار اشکال نشوند، و مثلاً اگر خواستند افاضات علمای اعلام را پیرامون احکام حیض و نفاس بدانند بدون زحمت بتوانند با رجوع به این فرهنگ، منابع مورد نیاز را فوری بدست آورند».

---

۱ ـ میرحسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی، در دیار با خلبانان و مهندسین و خدمه پروازی هواپیمائی جمهوری اسلامی، ۲۷ شهریور ۱۳۶۳

۲ ـ سید کاظم اکرمی، وزیر آموزش و پرورش، در مصاحبه رادیو تلویزیونی با صدا و سیمای جمهوری اسلامی، ۲۳ آبان ۱۳۶۳

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

تقیه، دروغ واجب

ماجرای «تقیه» ویژگی شگفت‌آوری است که انحصار و افتخار آن با پیروان تشیع اثنی عشری است، زیرا در هیچیک از دیگر مذاهب جهان، و در هیچکدام از دیگر فرقه‌های خود اسلام اصلی نامعقول‌تر و ناپذیرفتنی‌تر از اصل تقیه، آنطور که در مکتب کارگردانان تشیع اثنی عشری ساخته و پرداخته شده است نمیتوان یافت.

تقیه در سالهای نخستین یک تاکتیک جنگی تشیع برای بسیج سراسری در راه مبارزه با دستگاه خلافت بنی‌امیه بود، ولی خیلی زود این اصل در مکتب کاسبکاران دین تغییر ماهیت داد و به صورت مشروعیت دروغگوئی برای فرار از مسئولیت در آمد، و بعداً از این فراتر رفت و تبدیل به وظیفه شرعی چنان مهمی شد که به روایت کلینی، بزرگترین محدث جهان تشیع، امامان شیعه یکی پس از دیگری آنرا به تنهائی نُه دهم دین دانستند و تمامی دیگر فرایض دین را یکدهم باقیمانده آن.

خود آیت‌الله خمینی در این باره نظر داده است که: واجب بودن تقیه از روشن‌ترین احکام عقلی است، زیرا «معنی تقیه این است که انسان حکمی را برخلاف واقع بگوید یا عملی را برخلاف میزان شریعت بکند برای حفظ کردن خون یا ناموس یا مال خود. از این جهت خود امامان نیز گاهی یک حکم را بطور تقیه برخلاف دستورات صریح خدا میدادند برای اینکه در بین خود شیعیان اختلاف شود و مخالفان نفهمند که اینها احکامشان از یک چشمه آب میخورد، چنانکه در حدیث است که زراره گفت از امام جعفر صادق چیزی را پرسیدم و جوابی داد، ولی دیگری که آمد و همان را پرسید جواب دیگری شنید و باز دیگری آمد و همان را پرسید و جواب دیگری گرفت. گفتم قربانت بروم، چگونه است که در جواب سه نفر از شیعیان که یک چیز را پرسیدند سه جواب دادید؟ فرمود برای آنکه اختلاف بین آنها افتد و شناخته نشوند» (کشف الاسرار، ص ۱۲۸ و ۱۲۹). در کتاب بسیار معتبر «کافی» حتی خود خداوند هم در این مورد به تقیه‌کاران پیوسته

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

است: «حضرت رضا علیه‌السلام فرمود: امر ولایت و امامت ما اولاد علی را خداوند بصورت رازی به جبرئیل سپرد، و جبرئیل آنرا بصورت رازی به محمد صلی‌الله علیه وآله سپرد، و محمد نیز آنرا بصورت رازی به علی علیه‌السلام سپرد، و علی علیه‌السلام آنرا بصورت رازی به هر کس که خدا خواست سپرد، و حالا شما این راز را فاش میکنید و امام خود را به خطر میاندازید؟ چرا نمیتوانید حرفی را که شنیده‌اید پیش خودتان نگاه دارید؟» (اصول کافی، کتاب الایمان والکفر، باب التقیه).

هر انسانی، در هر شرایطی، با هر طرز فکری میتواند دریابد که این راه راه حق نیست. میتواند راه سیاست باشد، یا راه تجارت یا راه جاسوسی یا راه دزدی نیمه‌شب باشد، ولی نمیتواند راه دین و راه خدا باشد. بهمین جهت هم در همه تاریخ مذاهب جهان، هیچ آیینی منجمله خود اسلام جز در صورت تشیع اثنی عشری آن، به چنین راهی نرفته‌اند.

در دوران امپراتوری سفاکانه نرون در رم ده‌ها هزار مسیحی در میدانهای مسابقه پایتخت و دیگر شهرهای امپراتوری به کام شیران گرسنه افکنده شدند و همگی سرودخوانان به استقبال مرگ رفتند برای اینکه آیین خود را انکار نکرده باشند. به فرمان نرون آنها را در پوست حیوانات پوشانیدند تا سگهای درنده بهتر پاره‌شان کنند، یا به صلیب‌های چرب شده بستند تا شباهنگام روشن شوند و مانند مشعل فضا را نیز روشن کنند.

در سالهای ۷۲ و ۷۳ مسیحی، ده‌ها هزار یهودی در سرزمین کنونی فلسطین که در آنزمان بخشی از امپراتوری رم بود به قلعه Massada پناه بردند و دو سال تمام در آنجا در برابر محاصرهٔ رومیان پایداری کردند و سرانجام تا نفر آخر کشته شدند، ولی حاضر به ترک آیین خود ولو به صورت زبانی نشدند.

در قرنهای یازدهم و دوازدهم مسیحی، کاتارها (مانویان) در جنوب فرانسه پس از دو قرن مبارزه سرسختانه با کلیسای کاتولیک، در دژ معروف Monségure خود را تا به آخرین نفر در آتش افکندند یا به دره پرتاب کردند تا منکر ایمان خود نشده باشند.

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

در حمله عرب به ایران نیز صدها هزار زرتشتی برای آنکه آیین خود را منکر نشده باشند، راه سفر دریایی دراز و پرخطری را به هندوستان در پیش گرفتند و بسیاری از آنان در این مسیر جان سپردند و حاضر به ادای شهادتی که از آنان خواسته میشد نشدند.

با همه اینها، آیت‌الله ما در دیدار با مسئولان پزشکی کشور در سالروز بعثت پیامبر (۸ فروردین ۱۳۶۶) تأکید میکند که «همه میدانیم که در زمان پیغمبر وضع جوری بود که حتی خود او احکامی را که میخواست بگوید تقیه میکرد و بهمین جهت به آن چیزی که میخواست برسد موفق نشد، لذا می‌بینید در آنوقت فساد بود و حالا هم هست و تا آخر هم خواهد بود».

* * *

امامان نه‌گانه‌ای که بعد از حسین بن علی آمدند، بخلاف آنچه حدیث‌پردازان شیعه در طول زمان مدعی شدند، هیچکدام با دستگاههای خلافت اموی و عباسی که از نظر شیعیان غاصب شناخته میشدند از در مبارزه درنیامدند، بعکس با اتکاء به اصل تقیه مطلقاً از چنین مبارزه‌ای سر باز زدند، و گویاترین مدارک این سازشکاری را در احادیث «کافی» و بحارالانوار مجلسی میتوان یافت. احادیث مربوط به تکذیب ادعای شیعیان در باره خطاناپذیری امامان و برخورداری آنان از علم لدنی را نیز بیش از هر جا در چهار کتاب «کلیدی» جهان تشیع و در همین بحارالانوار ملا باقر مجلسی میتوان جست.

اصل دروغ شرعی تدریجاً تمامی ساختار مذهبی جهان تشیع را در حیطه تصرف خود درآورد، و با چنین منطقی بود که پیش از آنکه ماکیاول در زمین پا به وجود گذاشته باشد ماکیاولیسم به آسمان برده شد، و پیش از آنکه امام غائب در زمین زاده شده باشد این ماکیاولیسم به زمین بازگردانده شد. در این مورد ثقة الاسلام کلینی حدیثی بسیار گویا را در «کافی» خود نقل کرده که خود او آنرا یکی از دو معتبرترین حدیث «اصول کافی» خویش دانسته است:

ـ «هنگامیکه خدای عزوجل پیامبران را خلق فرمود تا در مورد

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

خدایی خودش از آنان بیعت بگیرد، نسل آدم علیه‌السلام را پیشاپیش به او نشان داد و پرسید: چه می‌بینی؟ آدم عرض کرد که پروردگارا، اینهمه انسان را برای چه خلق فرمودی؟ خدای عزوجل فرمود آنها را خلق کردم تا مرا عبادت کنند.

آدم عرض کرد: اجازه میدهی سخنی در این باره بگویم؟ خداوند فرمود: بگو. آدم عرض کرد: بهتر نبود اگر همه این انسان‌ها را یکسان و یک اندازه می‌آفریدی و جملگی دارای یک طبیعت میبودند و رنگها و عمرهایشان یکنواخت میبود، و در رزق و روزی نیز برابر میبودند تا برخی از آنها بر برخی دیگر ستم نمیکردند و حسد و کینه و اختلافی در میانشان پیدا نمیشد؟

خدای عزوجل فرمود: ای آدم، بخاطر نادانی فطری خودت، خود را به زحمت انداختی و مهمل گفتی. زیرا ندانستی که من از آگاهی و دانایی خلقت آدمیان را با یکدیگر مختلف ساختم تا فرمانم در میان آنها بهتر جاری شود، دنیا و آخرت و زندگی و مرگ و طاعت و گناه و بهشت و دوزخ را آفریدم، و میان صورتها و اندامها و رنگها و عمرها و روزی‌ها با علم نافذ خودم اختلاف انداختم و مردمان را به شقی و سعید، بینا و کور، کوتاه و بلند، زشت و زیبا، دانا و نادان، توانگر و فقیر، فرمانبر و نافرمان، سالم و بیمار، زمینگیر و تندرست تقسیم کردم تا سالم به بیمار بنگرد و به سبب عافیت خود شکر مرا بجای آورد، و بیمار به سالم بنگرد و به درگاه من دعا کند که او را نیز عافیت بخشم، و غنی به فقیر بنگرد و مرا شکر گوید، و فقیر به غنی بنگرد و از من به التماس درخواست کند که او را نیز توانگر کنم. همه آنها را چنین آفریدم تا در خوشی و ناخوشی و عافیت و گرفتاری روی به من داشته باشند، زیرا منم خداوند توانایی که میتوانم آنچه را که خواهم بکنم و آنچه را نیز که کرده‌ام به هر صورتی که بخواهم تغییر دهم. آنچه را که مؤخر داشته‌ام مقدم دارم، و آنچه را که مقدم داشته‌ام مؤخر کنم، و به هیچکس هم از این بابت حسابی پس ندهم، ولی خودم از مخلوق بابت آنچه کرده‌اند حساب بخواهم.» (کافی، کتاب الایمان والکفر).

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

گدایی مقدس

در تحول ناخوشایندی که در همان نخستین قرن جهان تشیع بدست روحانیتی «تقیه زده» در زندگی امامان شیعه روی داد، تبدیل نقش مبارز این امامان به نقش گدایی مقدس از راه دعوت از مؤمنین به رسانیدن پول به امام بود. ثقة الاسلام کلینی در این باره در اصول کافی خود روایات متعدد دارد:

ـ «امام جعفر صادق به تأکید فرمود که کاری در نزد خدا پسندیده‌تر از رسانیدن پول به امام نیست، زیرا خداوند هر یک درهمی را که به امام داده شود در بهشت به محکمی کوه احد پاسخ میدهد»[1].

ـ «و نیز امام جعفر صادق فرمود: ارزش یک درهم که به امام برسد بیشتر است از ارزش دو هزار هزار (دو میلیون) درهم که در راه خیر دیگری مصرف شود»[2].

ـ «از ضریس کناسی نقل است که امام جعفر صادق به من فرمود: میدانی که از چه راهی مردم گرفتار زنا میشوند؟ گفتم، والله نمیدانم. فرمود: از اینکه سهم ما اهل بیت را چنانکه باید بپردازند نمی‌پردازند»[3].

ـ «از معلی بن خنیس روایت است که به امام جعفر صادق علیه‌السلام عرض کردم: سهم شما ائمه از این زمین چه اندازه است؟ آن حضرت لبخند زد و فرمود: همانا که خدای تبارک و تعالی جبرئیل علیه‌السلام را فرستاد و به او دستور داد با انگشت ابهامش ۸ نهر در زمین حفر کند که عبارتند از سیحان و جیحان (سیحون و جیحون) که همان نهر بلخ است، و خشوع که نهر شاش (شوش) است، و مهران که نهر هند است، و نیل به مصر، و دجله و فرات. پس آنچه آب دهد و آب گیرد از آن ماست، و آنچه از آن ما است متعلق به شیعیان است و دشمن ما را از آن بهره‌ای نیست مگر آنکه آنرا به زور و ناحق از ما گیرد، و دریائی که خشکی‌ها را در میان گرفته است نیز متعلق به ما است»[4].

۱، ۲، ۳، ۴ ـ کلینی، اصول کافی، کتاب الحجه، باب ان الارض کلها للامام علیه‌السلام

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

اصل مجتهد و مقلد اصلی است که تا زمان قاجاریه اصولاً مطرح نبوده است، یا اگر هم بوده اهمیتی را که در دویست ساله گذشته پیدا کرده نداشته است، زیرا در کتاب معروف جامع عباسی که در زمان شاه عباس اول صفوی توسط شیخ بهائی تألیف شده و سرمشقی برای همه رسالات فقهی و توضیح‌المسائل‌های بعدی قرار گرفته است اصولاً سخنی از آن به میان نیامده است.

از نظر وحید بهبهانی شیعیان یا مجتهدند و یا مقلد. کسی که مجتهد نباشد، باید حتماً از یک مجتهد تقلید و از فتواهای او تبعیت کند. مجتهد باید عالم باشد و در عین حال عادل، یعنی گناهان کبیره مرتکب نشود و در کار خوب کوشا باشد و امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهد، به این دلیل که امر دین منحصر به نماز و روزه و طاعات و عبادات نیست. ازین دیدگاه پادشاهان هم باید یا خود مجتهد باشند و یا از مجتهدی تقلید کنند و از نظریات و فتاوی او **خصوصاً در امر مملکتداری و سیاست** تبعیت نمایند.

بدین ترتیب در مکتب وحید بهبهانی و شاگردان او، در عمل شاه و حکام بصورت دستگاه‌های اجرایی مجتهدین درمیآیند. اصل دیگر هم که وحید بهبهانی بر آن تأکید نهاد این بود که مجتهدان نایبان عام امام زمانند و وظیفه دارند جامعه را نه تنها هدایت کنند، بلکه بر آن حکومت نمایند. این مطلب عمدتاً از جانب وحید بهبهانی فقیه بزرگ معاصر آغا محمدخان و فتحعلیشاه قاجار در کربلا مطرح شد و بعداً توسط فقیه بزرگ زمان ناصرالدین‌شاه قاجار شیخ مرتضی انصاری تکمیل شد و از آن پس مورد پیروی متفق‌القول کارگردانان روحانیت شیعه قرار گرفت، زیرا این اصل مهمترین ضامن تثبیت حکومت مطلقه آنان بر توده‌های وسیع مقلدی بود که بعداً در ولایت فقیه آیت‌الله خمینی صغیران مادام‌العمر شرعی در قیمومت قیم‌های بلاعزل شرعی شناخته شدند.

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

وحید بهبهانی خودش از نظر فکری دنباله‌رو ملا محمد باقر مجلسی و مکتب حدیث او بود.

توسعه و تکمیل فقه اثنی عشری در دوران قاجار و دخالت همه جانبه علما در سیاست، درست مقارن با جدا شدن دین از سیاست بدنبال انقلاب کبیر فرانسه در اروپا انجام گرفت و بدین ترتیب ایران شیعه در دوران سرنوشت‌ساز قرن نوزدهم بجای اینکه به راه جهش بیسابقه دانش و بینش جهان غرب رود، به دوران آخوندپروری عصر صفویه بازگشت و سرانجام بدست ولایت مطلقه فقیه سپرده شد.

القاب حجة الاسلام والمسلمین، آیت‌الله و آیت‌الله العظمی فقط در هشتاد ساله گذشته در ایران اختراع شد. فقهای قبلی تنها شیخ و آخوند و ملا و میرزا خوانده میشدند.

www.Avayebuf.wordpress.com

خلافت اموی و ولایت مطلقه فقیه

آنچه بیست و هفت سال است در جمهوری ولایت مطلقه فقیه میگذرد، به صورتی شگفت‌آور رونوشتی از رویدادهایی است که در دستگاه خلافت اموی در دوران یکایک از خلفای چهارده‌گانه آن دستگاه گذشته بود.

دستگاه خلافت بنی‌امیه با آگاهی بر اینکه اکثریت اتباع این خلافت از فشارها و تبعیض‌هایی که بر آنان وارد میآید ناراضی هستند و هر لحظه احتمال عصیانی از جانب آنان میرود، از طریق فقیهان گوش به فرمان خود این منطق جبری را مطرح کرد که اصولاً مسلمانان حق عصیان علیه خلفا را ندارند، زیرا به هر حال این خلافت را خداوند برای این خلفا خواسته است و بنابراین دشمنی با خلیفه دشمنی با خداوند است. وقتی که اندیشمند معروف دمشق بنام غیلان دمشقی به خود اجازه داد تا بحث در باره جبر و اختیار را به میان آورد، به فرمان هشام خلیفه دستها و پاهایش را بریدند و زبانش را از حلقش بیرون کشیدند و سرانجام رگهای گردنش را قطع کردند.

ابن تیمیه، امام اعظم فرقه حنبلی و شیخ الاسلام دمشق (که ابن عبدالوهاب فرقهٔ وهابی خودش را از روی تعلیمات او سازمان داد و در زمان خود ما حکومت سعودی و صدها میلیارد دلار عوائد نفتی آن ـ منجمله میلیاردهای اسامه بن لادن و القاعده او ـ در خدمت جهانی آن به کار گرفته شده‌اند) در رسائل الکبرای خود فتوا میداد که: بفرض آنهم که آنکس که بر مسند خلافت نشسته است دزد و فاسد و فاسق باشد اطاعت از او واجب است، زیرا که وی به خواست خداوند بر این مسند نشسته است»[1].

قاضی القضات بغداد، ابوبکر باقلانی، در التمهید رسالهٔ معروف خودش مینوشت که «خلیفه اگر هم فاسق باشد و ظالم، و خون بیگناهان را بریزد و اموال مردم را به زور از آنان بگیرد و حدود و احکام الهی را زیر پا بگذارد، باز هم مخالفت با او جایز نیست و وی را از این بابت خلع نمیتوان کرد، بلکه تنها میباید به راه راست موعظه‌اش کرد، زیرا بهر حال خداوند او را بر این

---

۱ ـ رسائل الکبری، چاپ قاهره، جلد چهارم، ص ۱۷۱

مجله اینترنتی آرای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

مقام برگزیده است»[1].

امام محمد بن ادریس فقیه اعظم شافعی در کتاب «الام» خود به صراحت فتوا میداد که: چون وظیفهٔ مذهبی هر مسلمان است که به خلیفه یا نماینده او در نماز اقتدا کند، بنابراین نماز گذاردن در پشت سر خلفا و حکام ناپرهیزکار ولو در حال مستی آنان فریضه‌ای شرعی است، چنانکه عبدالله بن عمر با همه پرهیزکاری خود پشت سر حجاج ابن یوسف نماز گذاشت»[2].

قاضی‌القضات دمشق، یحی الدین دمشقی، ملقب به شیخ الحدیث و صاحب شرح معروف به «صحیح» مسلم، در حاشیه خود بر «ارشاد الساری» قمطلانی نظر میداد که: خروج بر خلیفه و حاکم به هر صورتی که باشد حرام شرعی است، اگرچه خلیفه فاسق و ظالم باشد»[3].

قاضی القضات بیت‌المقدس، ابن جماعه، که بعداً قاضی‌القضات قاهره شد، در «تحریرالاحکام» خود تصریح میکرد که: اگر خلیفه یا سلطانی قوانین شریعت را نداند یا بداند و اجرا نکند، و اگر ظالم و فاسق و فاجر هم باشد، باز هم باید از او اطاعت کرد، همانطور که اگر غاصب دیگری با همین صفات علیه وی قیام کند و زمام حکومت را بدست گیرد، از او نیز باید بهمین صورت اطاعت کرد، زیرا که در هر دو صورت خواست خداوند چنین بوده است»[4].

در مجلس خلیفه یزیدابن عبدالملک، یکی از بدنام‌ترین خلفای همه تاریخ اسلام که اصولاً «خلیفه فاسق» لقب گرفت، هشتاد تن از بزرگان روحانی دمشق شهادت دادند که خلفا بندگان آزاد شده خداوندند و انجام تکالیف شرعی از آنان ساقط است، زیرا اهل هر معصیت و منکر که باشند در بهشت جای خواهند داشت و هر عذاب و عقابی بر آنان حرام خواهد بود.

در کتاب «المعارف» ابن قتیبه دینوری از سخنور معروفی بنام عطاربن یسار در بغداد نقل شده است که: حالا که بیشتر با اصول دین و با فتاوی

---

۱ ـ التمهید، چاپ قاهره، ص۱۸۶

۲ ـ ارشاد الساری، چاپ بولاق، جلد هشتم، ص۳۴

۳ ـ از تاریخ ابن خلدون، چاپ قاهره، ج۳

۴ ـ تحریرالاحکام، چاپ قاهره، ج۳، ص۱۳۰

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

فقهای آن آشنا شده‌ام این حقیقت را بخوبی دریافته‌ام که خلفا اجازه دارند خون مسلمانان را بریزند و دار و ندار آنان را به زور بگیرند و بگویند که همه این‌ها اجرای خواست الهی است، و مردمان نیز وظیفه دارند که یا به از دست دادن همه چیزشان رضایت دهند یا کشته شوند، زیرا که این نیز قضای الهی است[1]. در همین زمینه قصیده پرمعنایی از یک امیر خاندان اموی در «الاغانی» معروف ابوالفرج اصفهانی نقل شده است که در آن گفته میشود: «به من ظلم شده است و همه نیز بر این آگاهند. اما این هم به من گفته شده است که هر آنچه امیرالمؤمنین (خلیفه) میکند قضای الهی است و کسی را نرسیده است که در آن دخالت کند»[2].

به تعبیر پژوهشگر سرشناس قرن نوزدهم A. von Kremer «بدین ترتیب فقه محمدی تدریجاً به صورت اصلی در آمد که صرفاً به شناسائی نامحدود حق قوی‌تر، یعنی قبول منطق «الحق لمن غلب» متکی بود»[3].

مهمترین تألیف حقوق دولتی و حقوق عمومی اسلام خلافتی در تاریخ اسلام کتاب «الاحکام السلطانیه» نوشته ابوالحسن علی این محمد ماوردی فقیه شافعی قرن پنجم هجری است که در بغداد نوشته شده است. براساس این کتاب ـ که مرجع اصلی نوع خود در جهان تسنن تلقی میشود ـ خلیفه ترکیب قدرت مذهبی و قدرت سیاسی را بصورت میراث پیامبر در شخص خودش توأم میکند، و چون قدرت او باید به سراسر جهان بسط یابد کمال مطلوب این است که یک دولت واحد اسلامی به وجود آید که دیر یا زود همه جهان کفر را به زیر سلطه اسلام درآورد و به حکومت جهانی اسلام مبدل شود. جالب است که نه تنها القاعده بن لادن وهابی این برنامه را هدف نهایی خود قرار داده است، بلکه خمینی شیعه نیز در کتاب کشف‌الاسرار خود همین برنامه را، کلمه به کلمه سرمشق خود برای ایجاد خلافت جهانی شیعه معرفی کرده است.

---

۱ ـ معارف، چاپ قاهره، ج۴، ص۲۲۵

۲ ـ الاغانی، چاپ قاهره، ج۱، ص۹۹

۳ ـ A. von Kremer در کتاب Kulturgeschichte des Orients، ج۱، ص۴۰۳

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

قم، صادر کننده جهانی علم

ـ «قم حرم اهل بیت است. قم مرکز علم و تقوی و شهادت و شهامت است. از قم علم به تمام جهان صادر شده است و خواهد شد. فضایل از قم به همه جا صادر میشود و علمای قم در دنیا نمونه‌اند. امیدوارم این علم و تقوی در این شهر تا زمان ظهور امام زمان سلام الله علیه برقرار بماند». (خمینی، در دیدار با نمایندگان اقشار مختلف شهر قم، ۶ شهریور ۱۳۵۶).

ـ «توجه داشته باشید که کتابها و چیزهای دیگری که در قم منتشر میشود غیر از کتابهایی است که در شهرهای دیگر منتشر میشود. قم شهر علم و شهر اسلام است. اگر خطایی از قم منتشر شود در تمام دنیا منعکس میشود». (خمینی، در جمع اعضای شورای عالی تبلیغات اسلامی، جماران، ۲ شهریور ۱۳۶۲).

* * *

نمونه‌هایی چند از گنجینه علمی که از قم برخاسته است:

ـ «دانشگاه صنعتی برای رشته علوم فنی و مهندسی آماده پذیرفتن تعدادی دانشجو است. دانشجویان باید در مسابقه ورودی به سئوالات تست امتحانی که توسط دفتر مسابقه معلومات مذهبی و تاریخ اسلامی حوزه علمیه قم تنظیم شده است پاسخ‌های دقیق و روشن بدهند. چند سئوال اعلام شده بدینقرارند: شیطان نر است یا ماده؟ خوراکهای بهشتی تفاله دارند یا ندارند؟ روح در داخل بدن قرار دارد یا در خارج از آن؟ عزرائیل خوش قیافه یا بدقیافه است؟ (آگهی روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۴ دی ۱۳۶۳).

ـ «مسابقه سراسری در باره احکام توضیح المسائل حضرت امام خمینی: کافر، سگ، بول، مدفوع، خون، فقاع، کدامیک از اینها نجس تر هستند، و به چه دلیل؟» (نظرسنجی به مناسبت نزدیکی یوم الله ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، ۱۵ خرداد ۱۳۶۵).

ـ «به علت احتیاج به تعدادی طبیب جدید، مدرسه فیضیه قم (مدرسه طلاب علوم مذهبی) یک دوره ششماهه تعلیم طب تأسیس کرده

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

است. فارغ التحصیلان این دوره برای طبابت به نقاط مختلف مملکت اعزام خواهند شد». (خبر روزنامه اطلاعات، ۲۵ مهر ۱۳۶۱).

ـ «خوشبختانه ما کمبودی از نظر پزشک نداریم، زیرا طبیب ایرانی امروز از درون اسلامی خودش میجوشد. وجود تعدادی از پزشکان مؤمن و متعهد در کشور ما برای حل کلیه مشکلات پزشکی کافی است». (علی خامنه‌ای رئیس جمهوری، ۱۷ آذر ۱۳۶۱).

ـ «دانشگاه امام جعفر صادق برای رشته ریاضیات و فیزیک و شیمی دانشجو می‌پذیرد. مواد امتحان ورودی: اصول و اعتقادات اسلامی، تاریخ اسلام، تاریخ انقلاب اسلامی ایران، زبان عربی، معلومات عمومی». (آگهی روزنامه اطلاعات، ۵ اسفند ۱۳۶۳).

ـ «از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند: زمین بر چه استوار است؟ فرمود بر ماهی. پرسیدند: ماهی بر چه استوار است؟ فرمود بر آب. پرسیدند: آب بر چه استوار است؟ فرمود بر صخره. پرسیدند: صخره بر چه استوار است؟ فرمود بر خاک نمناک. پرسیدند: خاک نمناک بر چه استوار است؟ فرمود: هیهات که در این مورد هیچ خبری به ما نرسیده است!»

ـ «رسول خدا فرمود که در بدن آدمی ۳۶۰ رگ است که ۱۸۰ تای آن می‌جنبند و ۱۸۰ تای دیگر ساکنند. اگر یکی از این رگهای جنبنده ساکن شود صاحب آن خوابش نبرد، و اگر یکی از این رگهای ساکن به جنبش درآید یاز هم صاحب آن خوابش نبرد. و نیز فرمود بدن انسانی دارای ده طبقه است که بر روی ۲۴۸ عمود تکیه دارد و یازده خزانه دارد که مهمترین آنها بیضتین او است»[1].

ـ «اگر سگی به گوسفندی بجهد و بچه از ایشان حاصل شود، پس اگر به سگ شبیه باشد نجس است و اگر به گوسفند شبیه باشد یا به هیچ حیوانی شبیه نباشد طاهر است. اما اگر سگی به خوکی بجهد و بچه ای حاصل شود که به هیچکدام شبیه نباشد در نجس بودن آن میانه مجتهدین عظام اختلاف است و احتیاط آن است که نجس باشد». (جامع عباسی، باب

---

۱ ـ تکلیف نیمه ای از مؤمنین که بیضتین ندارند در حدیث معین نشده است.

مجله اینترنتی آرای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

اول، فصل نجاسات)[1].

«مسلمانان باید علمی را برگزینند که رضای خداوند در آن باشد، زیرا هر علمی باعث رستگاری نیست. علم نافعی که مایه نجات میشود علمی است که از حضرت رسول الله و ائمه اطهار به ما رسیده باشد، و در باره آنچه نرسیده، تفکر خوب نیست. آنچه به یقین باید خوانده شود زبان عربی و صرف و نحو و منطق است زیرا غیر آن هرچه باشد یا لغو و بیفایده و تضییع عمر و یا احداث شبهه است که بیشتر موجب کفر و ضلالت میشود»[2].

خود علامه مجلسی، بمنظور ارائه «انواع علوم و حکمت‌ها» یک جلد کامل از دائرة المعارف بحارالانوار خویش را در ۲۱۰ باب مختلف بدین «معارف اسلامی» اختصاص داده است با این تذکر که با در دست داشتن این معاریف به مراجعه به هیچ کتاب دیگری نیاز نیست. در این ۲۱۰ باب همه علوم جغرافیایی و تاریخی و ریاضیات و طب و علم هیئت در پیدایش آسمان و زمین و عالم اجنه و انسان و حیوان و نباتات و طب منتسب به خود پیامبر و مکاتب پزشکی منتسب به امام صادق و امام رضا بر مبنای حدیث‌های نقل شده از پیامبر و امامان طبقه‌بندی و ارائه شده‌اند، که در یک بررسی کلی میتوان آنها را مبتذل‌ترین و ساختگی‌ترین و غالباً مضحک‌ترین مطالبی دانست که میتوانند در تاریخ مذاهب جهان نوشته شده باشند، و با اینهمه اشکالی دیده نشده است که کلیه این اراجیف با کمال صراحت به پیامبر اسلام و به امامان آیین شیعه نسبت داده شوند. و اشکالی هم دیده نمیشود که در سالهای آغاز هزاره سوم و در قرن بیست و یکم، همین اراجیف همچنان کتاب درسی «طلاب علوم دینی» هزاران حوزه تعلیمات اسلامی قرار داشته باشند.

روایات دیگری حکایت از این دارند که «علم در درون اناری از آسمان

---

۱ ـ لازم به تذکر شرعی است که تاکنون سگی نه به گوسفندی جهیده است و نه به خوکی تا بچه ای از ایشان حاصل شود. تا آنجا که اطلاع در دست است، فقط آخوند بوده که به این هر دو جهیده است، و طبعاً بچه ای هم از ایشان حاصل نشده است تا در نجس بودن یا نبودن او میان مجتهدین عظام اختلاف نظر بوجود آید.

۲ ـ محمد باقر مجلسی، بحارالانوار

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

به زمین آمده است». یکی از حدیث‌های کتاب بسیار معتبر «کافی» در این باره چنین توضیح دارد: «جبرئیل برای پیامبر دو انار از آسمان آورد که رسول خدا یکی از آنها را خورد و دیگری را دو نیمه کرد و یکی از آن دو نیمه را هم خورد، ولی نیمه دیگرش را به علی (ابن ابیطالب) خورانید. سپس به او فرمود: انار اولی مربوط به پیامبری من بود که به تو مربوط نمیشد، اما انار دومی علم و دانش بود که تماماً در دانه‌های آن جا داده شده بود و تو با من در آن شریک هستی» (کافی، کتاب الحجة، باب ان الله یعلمون امیرالمؤمنین).

و البته از ناشناخته‌های دیگری که این علم به آگاهی مؤمنین رسانیده، این است که:

ـ «حضرت صادق علیه السلام فرمود: زنهار که با کُردان مخالطت مکنید، زیرا اینان گروهی از اجنه‌اند که حقتعالی پرده از کارشان برداشته است». (مجلسی، حلیة المتقین، باب ۱۲، فصل ۱۰).

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

خطبه های نماز جمعه

هاشمی رفسنجانی، در مقام رئیس مجلس شورای اسلامی، در خطبه نماز جمعه اول بهمن ۱۳۷۸ خود در تهران پرده از راز مهمی برای مؤمنین حاضر در جلسه برداشت، و آن این بود که «یکی از شخصیت‌های معروف انگلستان جلسه ویژه پارلمان این کشور را تشکیل داد برای اینکه قرآن را با خودش بدانجا ببرد و بگوید: نمایندگان محترم، تا وقتیکه این قرآن در بین ایرانیان و دنیای اسلام عزیز باشد سیاست نفوذ و تسلط ما تحکیم نمیشود. اگر میخواهید سیاست ما پایدار شود باید تلاش کنیم تا مردم مسلمان را از قرآن جدا کنیم. این سیاست مشخصی است که خود انگلیسیها در اسنادشان منتشر کرده‌اند».

منبع موثق سخنران در مورد انتشار سند توسط انگلیس‌ها، مطلبی بود که شیخ صادق خلخالی به نقل از یک نشریه مصری در خاطرات در تبعید خودش نقل کرده بود مبنی بر اینکه گلادستون نخست‌وزیر وقت انگلستان در مجلس بریتانیا گفته است: «مادام القرآن یقره، و محمد یذکر و الکعبه یزار والخلیفه یطاع، ماقام الصلیب» (تا زمانی که قرآن خواند میشود و محمد یاد میشود و کعبه زیارت میشود و خلیفه اطاعت میشود، صلیب برقرار نمیماند)، و هدف نشریه مصری از جعل این خبر برای کسانی چون مؤمنین نماز جمعه آقای هاشمی رفسنجانی تنها قسمت نهایی آن بوده یعنی تأکید بر اینکه باید خلافت از اعتبار افتاده عثمانی بهر قیمت باشد برقرار بماند تا صلیب بر هلال چیره نشود.

البته این تنها یک خطبه از جمع ۲۸،۰۰۰ خطبهٔ سراپا حقیقتی است که در ۲۷ سالهٔ حکومت اسلامی از طرف آیت‌الله‌ها و حجت الاسلام‌های بزرگوار به امت همیشه در صحنه تحویل داده شده است.

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

ـ «امروزه روحانیون هر یکی خود در مقام امیر والای ملت هستند. کسب و تجارت آنها، فلاحت آنها، خوردن خون و گوشت یک مشت رعیت بی‌صاحب و بی‌پناه است. جناب مجدالاسلام نایب مناب پیغمبر اکرم کالسکه چند اسبه سوار میشود، عمارتهای رفیع و زنان متعدد دارد، هرکدام از آقازادگانش به فراخور متاع دکانداری پنج نفر عیار طرار به اسم محرر دارد. خرج آن دستگاه محترم را از مال مسلمانان بیچاره به واسطه احکام باطله و تصرف در اموال صغیر و کبیر و ظلم و تعدی در حق عموم برنا و پیر مینمایند»[1].

ـ «هر کسی را که ملاها بگویند «بابی» است کارش ساخته است. بسیاری از این ملاها از مردم توقعاتی داشته‌اند که برنیامده، و بدون هراس آن بیچاره‌ها را به تهمت بابی و یا بهائی بودن نابود کرده‌اند. تحت این عنوان چه خانواده‌ها از میان رفتند و چه سرها بر باد رفت و حکام چه دخل‌ها کردند و حکام شرع چه پولها به جیب زدند، در حالیکه همه اینها فقط تهمت بود و بس. روزی در محضر ملا محمد علی که از علمای بزرگ عصر بود نشسته بودم. مردی آمد و گفت: آقا، آیا هر گناهی توبه دارد؟ قاضی گفت: تا گناه چه باشد! آن مرد گفت: یقه مردی را گرفتم که پول ناهاری از او بگیرم، ولی او نداد. شیخی رسید و پرسید: چه خبر است؟ گفتم: این مرد بابی است. هر دو او را بردیم پیش حاکم شرع تهران. پرسید: چه میگویید؟ گفتیم: بابی آورده‌ایم. گفت: گفتگو ندارد، ببرید آسوده‌اش کنید. بردیم و میرغضب سرش را برید». (خاطرات حاج سیاح).

ـ «بسیاری از مردم هستند که روزها است نان پیدا نکرده‌اند و با شلغم زندگی میکنند، بعلت احتکار گندم و جو توسط روحانیون ملاک، از

---

[1] ـ از گزارش محرمانه سفیر انگلستان در ایران به وزارت خارجه آن کشور (نقل از اسناد محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان).

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

شدت پریشانی دختران ۹ ساله خود را به مقاطعه میدهند باسم صیغه یا فروش. در مدرسه نمدمالان و سایر مدارس طلبه‌ها کارشان صیغه دادن زن و دختر است که به خود آن زنان وجه مختصری میدهند و بقیه دخل خودشان است. هرکس در این مدارس (طلبه‌خانه‌ها) وارد شود طلبه‌ها قلیان میدهند و بعد میپرسند: زن میخواهی یا دختر؟» (نقل از همان کتاب).

ــ «در سلطان آباد (اراک) اربابی بزرگتر از حضرت حاج آقا محسن نیست. صد پارچه ملک شش دانگی دارد، غیر از آنچه در آنها شریک است و دندان برای تصاحب همه آنها در آینده تیز کرده. این جناب حجة الاسلام حاجی آقا محسن، مجتهد ریش سفید نود ساله‌ای است. سالی ۲۵،۰۰۰ خروار گندم ضبط انبار دارد که از قرار نان یک من یک قران میشود یک کرور تومان در سال. گفته‌اند که دویست هزار تومان هم نقدی املاک و اجازه مستغلات شهری دارد با ۳،۰۰۰ تفنگچی در املاکش. زیادتر از ۳۰ زن دارد، و عجب است که میگویند پدر مرحوم جناب حجة الاسلام فقط صاحب یک قطعه زمین کوچکی با سالی ۱۷ من گندم بوده است. البته همه این مکنت را جناب آقا از راه حلال جمع فرموده‌اند، و هرچه شب و نصف شب مناجات کرده‌اند که: ای خدای مهربان، این همه مال دنیا را میخواهم چه کنم؟ خداوند عادل با زبان بیزبانی به ایشان فرموده است: تو نمیدانی، من یک دوستی مخصوصی با تو دارم که با اجدادت محمد و علی نداشتم... باین جهت اراده کرده‌ام که لقمه را از گلوی هزار نفر مظلوم گدا ببرم و به زور به تو جناب حجة الاسلام حاجی آقا حسن بدهم». (از خاطرات ظهیرالدوله).

ــ «حاجی ملاعلی کنی تمام دهکده کن و اراضی وسیع آنرا تا حوالی جاده کرج و پشت اوین و درکه تصاحب کرده بود و هر سال چند صد خروار گندم احتکار میکرد و با ایجاد بازار سیاه مصنوعی و قحطی ساختگی آن گندم‌ها را به دو تا چند برابر قیمت میفروخت، و این موضوع را کریم شیره‌ای مایه لطیفه‌های متعدد ساخت. سید علی آقا یزدی مجتهد در همان

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

سالها فتوا به انگلیسیها میفروخت و پول میگرفت». (از همان کتاب).

ـ «دیگر از علمای اعلام حاجی سید محمد باقر بن سید محمد تقی موسوی شفتی معروف به حجة الاسلام ساکن اصفهان است. کنیز او حکایت کند که آن بزرگوار هر شب از نصف شب تا صبح به گریه و زاری و تضرع اشتغال داشت و مانند دیوانگان بر سر و روی خود میزد و دعا و مناجات میخواند و های های گریه میکرد و در اواخر زندگانی آنقدر گریسته بود که او را فتق عارض شده بود و با فتق بند فتق او را می‌بستند. و چون صبح میشد عمامه بر سر و عبا بر دوش میگرفت و تا شب آرام بود. و دولت و ثروت حجة الاسلام چنان است که گویا از احصاء گذشته باشد و حضرت آفریدگار قدرت خود را در آن بزرگوار آشکار ساخته که عبرت جمیع انظار و مایه اعتبار ارباب اعتبار گردد. آن بزرگوار را رسم بر این بود که چون تنخواهی برای مصارف معینه پس از وفات واقف در اختیار ایشان گذاشته میشد آن مال را به معامله تجارت میداد و منافع حاصله مال خودشان میشد، تا اینکه در اندک زمانی ربح بسیار نمود و اگر مالی میداد به بیع شرطی، پس از رسیدن موعد بلافاصله آن بیع را تصرف میکرد و نگاه میداشت تا میفروخت، پس شترخانه و قاطرخانه داشت و محوطه خانه‌اش خانه مرحوم آقا محمد بیدآبادی بود که از عرفا و صاحبان باطن و معروف به کیمیا بود و خانه‌اش مشتمل بود بر دورو و بیوتات بسیار داشت. هفت پسر داشت، هر یک اندرونی و بیرونی علیحده و مخارج ایشان جدا بود و فرزند اکبرش آقا میرزا زین‌العابدین در اصطبل خود هفده رأس اسب خوب بسته داشت و عیالات حجة الاسلام، قطع نظر از پسران و عیال ایشان، صد نفر در شمار آمده بود، از خادمان و کنیزان و زنان، و قراء و ضیأ و عقار بی‌اندازه داشت، در شهر اصفهان گویا چهار صد کاروانسرا از مال خود داشته، گویا زیاده از دو هزار باب دکاکین داشته و یکی از قرای او در اصفهان کروند بود که نهصد خروار برنج مقرری آنجا بود، قطع نظر از گندم و جو و حبوبات دیگر. و یک باب آسیا در نجف‌آباد داشت که مستمراً روزی یک تومان اجاره

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

آن بود و هکذا و املاکی که در بروجرد داشت مداخل آن هـر سالی تقریباً شش هزار تومان بود و املاکی که در یزد داشت سالی دو هزار تومان مداخل آنها بود و دهاتی که در شیراز داشت سالی چند هزار تومان مداخل آنها بـود، مجملاً سالی هفده هزار تومان مالیات دیوانی دهات آن جناب در اصفهان بود که به دیوان می‌رسید». (از رساله خیراتیه در رد بـر صوفیـه، نقـل از کتـاب: تاریخ اجتماعی ایران در دوره معاصر، تألیف سعید نفیسی).

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

معروف‌ها و منکرها

دوران بیست و هفت ساله گذشته شاهد تغییرات فراوانی در ساختار اجتماعی جمهوری ولایت مطلقه فقیه بوده که معروف‌ها و منکرهای متعدد «نظام الهی» را شامل شده است. در این تحول، با همه مطلقه بودن نظام، بسیاری از منکرهای آن معروف شده‌اند و بسیاری از معروف‌های آن نادیده گرفته شده‌اند، بی‌آنکه ظاهراً به ساختار الهی «نظام» چشم زخمی وارد آمده باشد.

تحصیل زنان در دانشگاه‌ها که شرعاً ممنوع شناخته شده بود آزاد شد. پخش موسیقی از رادیو که شرعاً منع شده بود از سر گرفته شد. به گوشت‌های یخزده که ورود آن‌ها قدغن شده بود اجازه ورود داده شد. بازی ممنوع شطرنج بصورت بازی آزاد در آمد. قانون حمایت خانواده که در توضیح المسائل خمینی هتک حرمت اسلام اعلام شده بود با اصلاحاتی چند دوباره به مورد اجرا گذاشته شد. فروش خاویار با اجازه خود ولی فقیه آزاد شد، زیرا «علما» در ماهی خاویار با کمک ذره‌بین فلس‌هایی چند یافته بودند. کنسرواتوار موسیقی دوباره شروع به کار کرد، و حتی از جانب وزارت ارشاد اسلامی دسته‌های موسیقی به خارج از کشور فرستاده شدند و در «شبهای موسیقی» اروپا نیز که در مراکز مختلف شهرها و کشورها در آنها تا بامداد موسیقی‌های «شهوت انگیز» نواخته میشود سفارتخانه‌های ایران رسماً شرکت کردند. رئیس یک مؤسسه تهیه نوارهای موسیقی پاپ که به فتوای رسمی خمینی فاسد کننده جوانان و محرک آنان به شهوترانی و فساد است در مصاحبه با روزنامه‌نگار Le Monde تأکید میکند که سالانه ۲ میلیون نوار از این موسیقی که مورد علاقه فراوان جوانان ایرانی است با اطلاع آخوندها (که بر این موضوع واقفند و در بسیار موارد خودشان نیز در آن سهم دارند) به داخل کشور می‌فروشد. در همین ضمن آیت‌الله محمد ابراهیم جنتی رئیس شورای نگهبان در سلسله مقالاتی در کیهان تهران در باره آنچه در اسلام حرام بوده و حلال شده است، از قبیل خرید و فروش خون و منی و تشریح کالبد مرده و اعضای بدن و مجسمه سازی و نقاشی و ستاره شناسی با عنوان نقش زمان و مکان در اجتهاد داد سخن میدهد.

www.Avayebuf.wordpress.com

نقل از نوشته محمود مصطفوی کاشانی، فرزند آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، روحانی مبارز مورد احترام آیت‌الله خمینی، نمایندهٔ پیشین ایران در دیوان داوری لاهه و کاندیدای تأیید شده شورای فقهای نگهبان برای انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۶۴، در نشریه «ما چه میگوئیم؟»، چاپ تهران، امرداد ۱۳۶۴:

ــ «کارنامه دستگاه دولت جمهوری اسلامی در همه زمینه‌ها نشان بی‌لیاقتی، خیانت، سوء استفاده، فساد و پارتی‌بازی مسئولان است. در مدت شش سال سیطرهٔ جمهوری اسلامی، صنایع ایران از نظر تولید به میزان یک پنجم تولید پیش از انقلاب سقوط کرده است. وضع دانشگاهها از این هم اسفبارتر است، زیرا علاوه بر آنکه تعداد استادان نسبت به سال ۱۳۵۷ به ۱/۴ تنزل یافته است، سطح دانش و کیفیت تدریس نیز در این مراکز علمی به سبب سیطره عوامل حزب‌اللهی عامی و بیسواد به حدی پایین آمده که امروز وضع دانشگاه تهران حتی از دانشگاههای عقب‌مانده‌ترین کشورهای افریقائی نیز بدتر است. وقتیکه استادان به کلاسها میروند، با افرادی روبرو میشوند که بجای علاقمندی برای آموختن علم، اندازه کفن و سنگ لحد را از استاد فیزیک اتمی سئوال میکنند.

تشکیلات دادگستری در رژیم گذشته نسبتاً پاک و دارای قضات و بازپرسان و کارکنان شریف و متدین و پاکدل بود. اما امروز نه در دادگاهها قانونی رایج است که قاضی بر مبنای آن رأی دهد و نه پس از شش سال روشن شده که چه کسی واقعاً میتواند صلاحیت قضاوت و وکالت را داشته باشد. در باره یک موضع واحد در یک شهرستان ۱۲ حکم مختلف صادر میکنند. فلان حجت‌الاسلام ۲۵ ساله مدعی است که چون مجتهد است حق دارد قانون وضع کند.

« ما میخواستیم با انقلاب خود ارزشها را عوض کنیم و جهانی دیگر و جامعه‌ای دیگر بسازیم. اما در برزخ انقلاب اوج تهمت، لجاجت، خیانت، جنایت، دنائت، زشتکاری و نفاق را از برخاستگان این ارزشهای نامطلوب منفی پیشین میبینید. درگذشته هزار فامیل وجود داشت. حالا این هزار فامیل در ده فامیل و بیست فامیل و منتها صد فامیل مشخص شده است».

* * *

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

نقل از مهدی بازرگان، اولین نخست وزیر برگزیده آیت‌الله خمینی، و معرفی شده از جانب او به عنوان رئیس حکومت مورد تأیید امام زمان:

«اگر برای ملت ایران مبارزه برای آزادی و استقلال و ترقی مطرح بود، برای روحانیت ما احراز موفقیت و مقامات از دست رفته اهمیت بیشتری داشت. عقده‌های شصت هفتاد ساله علیه تمدن و فرهنگ غربی و علیه قشرهای روشنفکر و مخصوصاً علیه برکناری روحانیت از سیاست و مدیریت مملکت، بعد از پیروزی انقلاب در همه زمینه‌ها بصورت تلاشهای تلافی و ارضا، عقده‌های درونی در همه این زمینه‌ها ظاهر و حاکم گردید»[1].

«۲۵۰۰ سال ما استبداد داشتیم. به نظر میرسد این استبدادی که دائماً به آن لعنت میکردیم و فحش میدادیم اینقدرها هم چیز بدی نبود، زیرا لااقل زندگی مردم ما، نان و آبشان را، امنیتشان را، مدرسه‌شان را، بیمارستانشان را، حفاظتشان را به عهده میگرفت. تعجب نکنید اگر بگویم که وقتیکه شاه میگفت میخواهم شما را به تمدن بزرگ برسانم این حقیقت بود. این به اعتباری از روی حسن نیت بود. شاه واقعاً دلش میخواست ملت ایران یکی از بزرگترین قدرتهای جهانی شود و تمدنی پیشرفته داشته باشد. حتی گفته بود ملت ایران را علیرغم میل خودش هم که شده به تمدن پیشرفته خواهم رساند. در حالیکه ما برای همین ملت نه تمدن آوردیم، نه نان و آب، نه امنیت. وقتی هم که دولت من خواست مأموریتی را که خود آیت‌اله خمینی بدان واگذار کرده بود، یعنی تشکیل مجلس قانونی مؤسسان را انجام دهد، همین آیت‌اله از بالای سر دولت زیر قول خود زد و گفت: من ولی امر هستم. دیروز گفتم مجلس مؤسسان، امروز میگویم مجلس (غیرقانونی) خبرگان. به کسی هم ربطی ندارد»[2].

---

۱ ـ مهدی بازرگان، انقلاب در دو حرکت، ص ۱۲۵.

۲ ـ مهدی بازرگان، سخنرانی در استادیوم ورزشی تبریز، ۹ بهمن ۱۳۶۴.

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

خانم‌های آیت‌الله در چین

نقل از مقاله‌ای که از فرستاده مخصوص روزنامه فرانسوی Le Monde در تاریخ ۱۲ اوت ۲۰۰۵ در آن نشریه به چاپ رسیده است:

«Hui ها یک اقلیت ده میلیون نفری در چین هستند که مذهب اسلامی دارند و بازماندگان مسلمانانی هستند که از راه جاده ابریشم یا از طریق دریایی در قرون اولیه اسلامی برای بازرگانی به چین رفتند و در آنجا ماندند و خانواده تشکیل دادند. مذهب آنان تسنن است، ولی ویژگی خاصی که دارند (و در بقیه جهان اسلام بیسابقه است) وجود «خانم‌های امام» در رأس حوزه‌های مذهبی و آموزشی است.

تا پیش از انقلاب فرهنگی چین، شمار این امامان ۳۲ نفر بود که عنوان مذهبی آنها «اهرم» است.

خانم سوی جینگ جونگ دان، امام بزرگ مسجد بمن گفت که از ۹ سالگی به آموختن قرآن در یک مدرسه مذهبی پرداخته است و پدر و مادرش هیچوقت مخالفتی با تصمیم او در ادامه این مطالعات نداشته‌اند. خانم شوی جینگ دان، معاون او، با لبخند اضافه کرد: اصلاً ما در عمل متوجه شدیم که زنان بیشتر از مردان توانائی سازماندهی دارند، و بنابراین بهتر است خودشان کارهای اساسی مراکز اسلامی را اداره کنند.

مریم دنگ پینگ بانوئی ۳۸ ساله است. او نیز در مقام اهرم مشغول کار است. در سال ۱۹۹۰ از یک مدرسه قرآنی دیپلم گرفته و ۸ سال پیش باتفاق شوهرش که او نیز امام یک مسجد است به آنجا آمده است. خود او علاوه بر امامت، در مدرسه‌ای در نزدیکی مسجد (که مرا در آنجا پذیرفت) کار تدریس زبانهای عربی و فارسی را بر عهده دارد. در پاسخ من میگوید: در چین زنان و مردان حقوقی مساوی دارند، بدین جهت زنان مسلمان برخلاف خیلی از دیگر کشورهای اسلامی بصورت آدمهایی درجه دوم نگریسته نمیشوند. البته ما در یک کشور کمونیست زندگی میکنیم که موضوع ملیت در آن اولویت دارد. ولی هیچکس مانع ما در انجام وظایف مذهبی نمیشود و

مجله اینترنتی آوای بوف

www.Avayebuf.wordpress.com

به ترک مذهب نیز دعوتمان نمیکنند. در پاسخ سئوال دیگر من میگوید: متأسفانه در چین جوانان روز بروز کمتر به مراکز مذهبی میروند و وفادارترین اعضای ما کسانی هستند که بیشتر از چهل سال دارند. در عوض جوانانی که به مدارس قرآنی میآیند اسلام را عمیق‌تر از بزرگترهایشان میآموزند. پیش از این ما مسلمان بودیم برای اینکه پدرها و مادرهایمان مسلمان بودند، امروز جوانان ما خودشان تصمیم میگیرند که مسلمان بمانند یا ترک مذهب کنند. بهترین دلیل آن این است که بسیاری از این جوانان چه دختر و چه پسر، برای تکمیل تحصیلات مذهبی خود به کشورهای خارجی بخصوص عربستان سعودی و ایران میروند.

برای مریم که دو وظیفه اهرم (امام) و پرفسوری مدرسه را توأماً بعهده دارد، دنیای غرب، که خودش آشنائی نزدیک با آن ندارد، دنیایی از نظر اخلاقی محکوم است. البته برداشت او جنبه سَلَفی ندارد، ولی بخوبی گویای این است که بازگشتگان از دانشگاه‌های اسلامی خارجی تا چه حد تحت تأثیر بنیادگرایان افراطی قرار گرفته‌اند و چه نوع اسلامی را با خود همراه آورده‌اند.

مجله اینترنتی آوای بوف